

دست مارس

Quarterly journal No 17, June 2007

فصلنامه زنان - شماره ۱۷ (خرداد ۱۳۸۶ / ژوئن ۲۰۰۷)



ویژه هشت مارس ۲۰۰۷

نطفه های جهان آینده در دل جنبش زنان



● کلنجهایی در مسیر رهائی

● آلترناتیوی به پروژه امپریالیستی -
سخنرانی شهرزاد مجاب به مناسبت
هشت مارس

● به یاد پوران بازرگان: مقاومت کردن
همیشه باید در زمان حال شود

۸ مارس ۲۰۰۷ روز جهانی زن همراه، همدل و هم صدا، خلق جهانی نو را فریاد کنیم!

آیا صدای فریاد زنان عراقی را از وحشت قتل ناموسی توسط جریان‌های اسلامی و یا تجاوز سربازان تجاوزگر آمریکایی و انگلیسی می شنوید؟

آیا صدای اعتراض زنان در افغانستان را که تن و جان‌شان جولانگاه رقابت‌های طالبان و سایر جریان‌های اسلامی، دول اشغالگر غربی و دست‌نشانندگان آنان شده است می شنوید؟

آیا صدای فریاد آن زن ایرانی که با درد شلاق و حجاب اجباری بر تن در آستانه سنگسار است را می شنوید؟

آیا صدای اعتراض زنان آمریکا که هر ۶ ثانیه یکی از خواهرانشان قربانی تجاوز جنسی است را می شنوید؟

آیا شاهد افزایش روزانه تعداد زنان قربانی خشونت‌های مردسالارانه در کشورهای اروپایی هستید؟

مسبب سرکوب و فرودستی زنان در یک سو قدرت‌های امپریالیستی مردسالارانه که جنگ‌های تجاوزگرانه خود را تحت نام ما "زنان" و "حقوق بشر" برای مردم منطقه مشروعیت می بخشند و از سوی دیگر مرتجعین بنیادگرای اسلامی که زنان را به برده مبدل کرده اند.

قتل هزاران زن و کودک در افغانستان و عراق توسط بمب‌های خوشه‌ای ناپالم و فسفری، تجاوز سربازان آمریکایی به زنان عراقی، تدوین قانون اساسی ضد زن اسلامی توسط جریان‌های بنیادگرای اسلامی با کمک مشاوران آمریکایی و سایر دول غربی در عراق و افغانستان گوشه‌ای از "آزاد سازی" زنان به سبک امپریالیست‌هاست. از سوی دیگر جریان‌های مرتجع اسلامی از طریق برنامه سیاسی شان در حال تشدید و گسترش سرکوب و فرودستی زنان هستند. قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان و حجاب اجباری در ایران فشرده قدرت مردانه اسلامی است. تجاوز و قتل زنان و دختران در افغانستان نماد قدرت جریان‌های جنگ سالار و مرتجع اسلامی است.

همه این وقایع به ما زنان می آموزد که هر راه حلی جهت رهایی و آزادی زنان در چهارچوب ساختار کنونی حاکم بر جهان همانقدر کاذب است که جستجوی رهایی زنان در چهارچوب ایدئولوژی‌های مذهبی از جمله اسلام.

ما زنان در ادامه راهی که سال گذشته آغاز کردیم، به دنبال ساختن جهانی هستیم بر پایه قدرت و مشارکت تمامی انسانهایی که سودی در دوام نظام‌های متکی بر ستم و استثمار ندارند. ما خواستار جهانی هستیم که در آن ناقص سازی جنسی زنان نه یک سنت بلکه یک جنایت محسوب شود. هیچ دختر خردسالی به «حجله» تجاوز نرود؛ هیچ زنی به بهانه «ناموس مرد» به قتل نرسد؛ هیچ زن و دختری برای خلاصی از شر خشونت مردسالاری خودکشی و خودسوزی نکند؛ هیچ زنی به جرم دوست داشتن و یا رابطه جنسی مجازات و سنگسار نشود؛ جهانی که همجنس خواهی را یک جرم و ناهنجاری تلقی نکند؛ هویت زنان با همسر و مادر بودنشان تعیین نشود. کسی نتواند زنان را به اجبار در آشپزخانه و اندرونی حبس کند و آنان را از مشارکت در تولید اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی محروم کند؛ زنان مالک و صاحب اختیار بدن خود باشند و بتوانند برای بچه دار شدن و یا نشدن، خود تصمیم بگیرند، جهانی که برابری زنان با مردان را در تمامی عرصه‌ها تأمین کند.

این‌ها جلوه‌هایی از افق‌های ماست، که باید در دسترس میلیون‌ها زن ستمدیده قرار گیرد. افقی که به ما امید می‌دهد، امیدی که به ما شجاعت و قدرت می‌بخشد تا بتوانیم با مبارزات آگاهانه خود آینده‌ای فارغ از هرگونه ستم و استثمار جنسی و طبقاتی را خلق کنیم.

زنان و مردان آزادیخواه!

روز ۸ مارس ۲۰۰۷ با پیام "نه به ارتجاع، نه به امپریالیسم، ما در حال خلق جهانی دیگر هستیم!" گام‌هایمان را متحد و صفوفمان را گسترده کنیم. پرچم‌هایی زنان در جهان کنونی مرزی روشن بین همه ستم‌دیدگان جهان و مرتجعین رنگارنگ امپریالیستی و بنیادگرای اسلامی است.

قرار ما: ۸ مارس ۲۰۰۷، در دن‌هاگ - هلند....

کارزار مبارزه برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان

ژانویه ۲۰۰۷

فهرست مطالب

سر سخن

۲

قدمی دیگر در راستای رهایی زنان

۴

سپیده همراز

در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

۵

کارزار...

از گوشه و کنار جهان در همبستگی با کارزار...

۶

زنجیرها را بگسلیم!

۶

ماری لو گرینبرگ

کلنجارهایی در مسیر رهایی

۷

پیامی به وسعت تبعید

۱۰

زنان و آلترناتیوی به پروژه امپریالیستی

۱۳

شهرزاد مجاب

پیشروی گرایش انقلابی جنبش زنان

۱۵

هشت مارس انقلابی در افغانستان

۱۸

نبرد زن

به یاد پوران بازرگان

۱۹

کارزار....

"مقاومت کردن همیشه باید در زمان حال صرف شود"

۱۹

زهره ستوده

هشت مارس

نشریه سازمان زنان هشت مارس
(ایرانی-افغانستانی)
سر دبیر: آذر درخشان
همکاران این شماره:
سپیده همراز، فریدا فراز،
عاطفه کشمیری و ساحل

برای تماس با نشریه

Postfach 11 06 28
28086 Bremen
Germany

e-mail:

zanane8mars@yahoo.com
zan_dem_iran@hotmail.com

آدرس وب سایت

<http://www.8mars.com>

بهای تک فروشی معادل ۳ یورو، ۲۵
کرون سوئد، ۲/۵ پوند انگلیس

حساب بانکی (از آلمان)

March 8th committee of women
K.NR 22 70 169 39
BLZ: 513 500 25 Sparkasse
Gissen, GERMANY

از خارج از آلمان:

March 8th committee of women
INT. Bank Account number
DE 89 5135 00 25 0227 0169 39
SWIFT _ BIC: HELADEFIGIE
GERMANY

همکاری شما نشریه را پربارتر
خواهد کرد. برای هشت مارس خبر،
مقاله، شعر، عکس، طرح، داستان و
ترجمه بفرستید.
لطفا نوشته های خود را در صورت
امکان با برنامه Word فارسی تایپ
و با پست الکترونیکی ارسال کنید.
مسئولیت هر یک از مقالات در نشریه
بعهد نویسنده آن است.

نطفه های جهان آینده در دل جنبش زنان

تعیین جهت آتی جامعه اهمیت روز افزون می یابد. زنان ایران از یک سو با رژیم درگیرند که موجودیتش با بردگی زنان رقم خورده است، رژیم می که با سرکوب زنان و تحمیل حجاب به عنوان سمبل فرودستی زن در جامعه تثبیت خود آغاز کرد و در این سال ها هر گاه موجودیت خود را در خطر دید، تازیانه سرکوبش اول تر و محکم تر بر بدن زنان فرود آمد و امروز نیز که موجودیتش از بیرون و از درون مورد تهدید است، دوباره ارگان های چندگانه سرکوبش را به جان زنان انداخته است.

ولی فقط جمهوری اسلامی نیست که مدعی حیات زنان است. آمریکا و مدافعانش نیز در فکرند که از جنبش زنان ایران به نفع نقشه های خود در خاورمیانه سود جویند. هر چند مداخلات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق، چه از نظر وحشیگری های ارتش اشغالگری و چه از نظر تقویت جریانات بنیادگرای اسلامی و سنت های عقب مانده، باعث تشدید خشونت در زندگی زنان این دو کشور شده، باز هم عده ای می کوشند امپریالیسم آمریکا را به عنوان ناجی زنان به ما غالب کنند.

ولی جنبش زنان ایران عملاً در مقابل این مدعیان زن ستیز سرنوشتش قد علم کرده است. خواسته هایی که زنان ایران برای دستیابی به آنها مبارزه می کنند، از آزادی پوشش گرفته تا حق طلاق و سرپرستی فرزند، از ارث برابر تا آزادی عشق، و از مزد برابر در مقابل کار برابر تا... همه مجموعه ای از روابط ستمگرانه را آماج می گیرد که امروز در قوانین ضد زن حاکم متبلور شده و توسط آنها تحکیم و اجرا می شود. ولی این روابط منحصر به جمهوری اسلامی نیستند، و بر پایه روابطی این چنینی است که امروزه زنان، به ویژه در جهان سوم، به نیروی کار برده وار و سود ساز "جهانی سازی" بدل شده اند. جنبش زنان با برخاستن در مقابل این روابط، به عینه نطفه های جهانی را در خود می پرورد که در آن اثری از ستم و استثمار نیست.

مدعیان این جنبش بسیارند. ولی این جنبش نه با کوتاه آمدن در مقابل جناح های حکومتی و مماشات با اسلام سیاسی به بار می نشیند، نه با کمک های مالی شرکت های اروپایی به پیروزی می رسد و نه با بمب افکن ها و پیاده نظام آمریکا. رهایی زنان فقط به دست خود زنان میسر است. هشت مارس امسال گرایش انقلابی جنبش زنان که تبلور مبارزات مستقل برای دستیابی به تمامی خواسته های زنان ایران است صدای خود را بلندتر کرد. این صدایی است که مردم را به سوی آینده ای روشن فرا می خواند. تقویتش کنیم. ■

کارزار زنان دومین راهپیمایی موفق خود را به مناسبت روز جهانی زن، هشت مارس ۲۰۰۷، سازمان داد. راهپیمایی رنگارنگی از زنان نسل ها و پیشینه های مختلف که در مبارزه شان علیه زن ستیزان حاکم، ترکیبی از فعالین ضد جمهوری اسلامی در خارج از کشور و نیروهای فمینیست، ضد جنگ، ضد جهانی سازی کشورهای دیگر را همراه خود کرده بودند. این راهپیمایی نقش خواسته های زنان و رهایی زنان را بر زمینه جنبش آزادیخواهانه و انقلابی مردم باز هم پررنگ تر کرد.

اهمیت این راهپیمایی، تنها در این نبود که از نظر کمی از بزرگترین تیلورات مبارزاتی اپوزیسیون انقلابی جمهوری اسلامی در خارج کشور بود. آنچه این راهپیمایی را برجسته کرد، سرکشی اش در مقابل تمامی دشمنان زنان بود (نه به جمهوری اسلامی، نه به امپریالیسم) و عزمش در بر افروختن شعله های امید در دل هایی که از سببیت نظم جاری به تنگ آمده اند: "جهان دیگری خلق می کنیم". جهانی که ستم از وجودش رخت بر بسته باشد.

این راهپیمایی تنها نبود، چرا که هشت مارس ۲۰۰۷ تنها در تبعید نبود که به دشمنان زنان با صدای بلند "نه" می گفت. گرایش انقلابی جنبش زنان، در ایران نیز صدای خود را بلندتر کرد، جمع شد، به بحث نشست، به دانشگاه رفت، رخت سرکشی پوشید و به خیابان آمد... هشت مارس امسال، نیروئی که می تواند سکان تغییر را در دست بگیرد عرض اندام کرد.

پس از ۲۸ سال مبارزه روزمره و جسورانه زنان با جمهوری اسلامی، امروز امکان تعیین تکلیف با این رژیم زن ستیز قابل تصورتر می شود. جنبش های مردمی گسترش می یابد: دانشجویان، دانشگاه ها را به تعطیل می کشند، معلمان کلاس ها را رها می کنند و به خیابان می آیند، مبارزات کارگران اوج می گیرد. جنایات روزمره رژیم و عواملش، دیگر، از سر یاس، "طبیعی" تلقی نمی شود و با امواج کوچک و بزرگ اعتراض روبرو می شود... سردمداران رژیم، از یک طرف شتابان به دنبال وزرای امور خارجه رنگ و وارنگ دنیا می دوند تا مگر آمریکا را از تصمیمش بر تغییر رژیم منصرف کنند و نقشی برای خود در برنامه های آینده امپریالیست ها در خاورمیانه دست و پا کنند. از طرف دیگر، مستاصل از فشارهای چند سویه به جان هم افتاده اند، یکدیگر را عزل و بعد منصوب می کنند، دستگیر و بعد آزاد می کنند، تبعید می کنند، افشا می کنند....

امروز که بادهای تغییر از هر سو می وزند، نقش زنان در

قدمی دیگر در راستای رهائی زن

گزارشی از هشت مارس ۲۰۰۷ در لاهه

سپیده همراز

فوت پوران بازرگان،
به گوشمان رسید.... به
سرعت پیامی از طرف
کارزار در بزرگداشت
زندگی وی تهیه شد، که
آغازگر جلسه مان شد.
در این جلسه [که]
گزارش کامل آن را در
همین شماره می خوانید]،
بحث هایی هر چند کوتاه
ولی بسیار عمیق حاوی
نگرش های مختلف در
مورد کارزار، چگونه
پرداختن به اختلاف نظرها
در عین پیشبرد عمل
مشترک، استقلال جنبش
زنان، نقش و رابطه جنبش
زنان با طبقات و مبارزه
طبقاتی ارائه شد. فضای
حاکم بر جلسه و عمق بحث
ها، نشان از رشد و پختگی
جنبش زنان و گرایش
انقلابی در جنبش زنان بود.
بعد از جلسه نیز بحث
های کناری تا پاسی از شب



بین بسیاری از دوستان در حلقه های مختلف
ادامه یافت. یکی از ویژگی های کارزار زنان
و موفقیت های تا به امروزی مان این بوده
که توانسته ایم نه تنها با وجود تفاوت های
نگرشی با هم فعالیت مشترکی به پیش ببریم،
بلکه این تفاوت ها و برخورد های نظری را
به نقطه قوتی برای کار مشترک خود تبدیل
کرده ایم. کاری که امیدواریم، بتوانیم در آینده
بهرتر و بیشتر به پیش ببریم و نمونه ای باشیم
برای سایر جنبش های انقلابی در سازماندهی
فعالیت های مشترک مبارزاتی.

هشت مارس

از ساعت ۱۰ صبح خیل زنان و مردان
به سوی میدان مانیفلد، در نزدیکی ایستگاه
مرکزی لاهه سرازیر بود. پرچم ها و بادکنک
های رنگی از دور همه را به سوی خود می
خواند. نزدیک تر که می شدی، سرود کارزار
زنان گردش خون را در رگ ها، تندتر می
کرد. در میدان دوستانی را که از سال گذشته
می شناختیم، باز می یافتیم. در عین آمادگی

بادکنک ها شعارنویسی می شد.... اینها، همه
کارهای ریز و درشتی بود، که درست انجام
شدنشان، در موفقیت تظاهرات اساسی بود.

بحث و تبادل نظر در شب هفت مارس

از آنجا که تظاهرات صبح روز هشت
مارس بود و بسیاری از شرکت کنندگان
از شهرها و حتی کشورهای دیگر به لاهه
می آمدند، معلوم بود که بسیاری روز هفت
مارس در لاهه خواهند بود. به همین خاطر
به پیشنهاد و همت برخی فعالین کارزار در
پاریس، از این فرصت استفاده کردیم و جلسه
ای برای بحث و گفتگو، در باره دیدگاه های
مختلف شرکت کنندگان از کارزار و جنبش
زنان، در شب هفت مارس، تدارک دیدیم.
محل جلسه دفتر سازمان پناهندگی پرایم
بود. این دوستان که نقش مهمی در موفقیت
راهپیمایی کارزار ایفا کردند، اجازه داده بودند
که ساختمان دفترشان در این چند روزه به
تسخیر فعالین کارزار در آید.
بعد از ظهر هفت مارس، خبر تاسف بار

این خلاصه گزارشی است که فردای
راهپیمایی تهیه شد و مختصراً به منظور چاپ
ویرایش شده است. - هشت مارس

بعد از چند ماه تدارکات سیاسی- فنی،
روز جهانی زن فرا رسید. فعالین کارزار در
هلند، هفته ها بود که فعالیت خود را در این
زمینه، شدت بخشیده بودند و شب و روزشان
با هشت مارس رقم می خورد. اعلامیه ها
به زبان هلندی در مسیر تظاهرات و خانه
به خانه، پخش می شد، تا ساکنین منطقه
از اهداف و نظرات ما مطلع شوند. اعضا
تیم تدارکات، مرتب بین خانه های مختلف،
چاپخانه، محل جلسه، فروشگاه، فرودگاه و
ایستگاه قطار در رفت و آمد بودند. مسئولین
با روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها در
تماس بودند: برای مصاحبه، برای پوشش
دادن به تظاهرات و.... حمایت ها از نقاط
مختلف می رسید و باید برای پخش، آماده می
شد. بنرها و پوسترها بر چوب ها سوار می
شد، بازوبندهای انتظامات تهیه می شد، روی

برای حرکت و به دست گرفتن پرچم ها و بنرها، از فعالیت های مبارزاتی در شهرها و کشورهای دیگر جویا می شدیم....

زنی با چادر سیاه، ماسکی سفید و بی چهره، با زنجیر سنگینی بر گردن، به نشانه وضعیت زنان در ایران، در میان ما قرار گرفت. این بخشی از تاتر خیابانی بود که در پایان، مقابل سفارت اجرای شد. گروه طبالان هلندی که سال پیش نیز ما را همراهی کرده بودند، خود را آماده می کردند.

هلند و تائید نظر این دوست بود. از سفارت آمریکا گذشتیم و به سوی سفارت ایران به راه افتادیم. صفی بود با حدود بیش از ۷۰۰ نفر، و ما در کنار خود بسیاری از زنان و مردان را، از هلند، ترکیه و .. داشتیم. در طول راهپیمایی، شعارهایی به زبانهای هلندی، انگلیسی و فارسی داده می شد و از بلندگوی تظاهرات، اهداف کارزار، به زبان های مختلف به عابرین توضیح داده می شد. امسال نیز مانند سال پیش، کارزار

اهمیت خلق جهانی دیگر تاکید کردیم. چرا که دلیل مخالفت ما با جمهوری اسلامی، همان نابرابری و ستم و استثمار است که امپریالیست ها در تمام جهان، بانی آنند و این مخالفت، تنها با طرح خطوط جهانی که برای رسیدن به آن مبارزه می کنیم، جهانی که ستم بر زن از آن رخت بر بسته باشد، مادیت می پذیرد.

در مسیر راهپیمایی پخش اعلامیه ادامه داشت و عابرین چه پیاده و چه در اتوموبیل ها، اغلب با علاقه اطلاعیه ها را از ما می گرفتند. به علاوه بسیاری از مردم که به طور حتم، اطلاعیه های ما را در خانه شان دریافت کرده بودند و صدای بلندگوهای تظاهرات را می شنیدند، برای تماشا به کنار پنجره ها آمده بودند و برایمان دست تکان می دادند.

به سفارت ایران، محل پایانی تظاهرات، که نزدیک می شدیم، فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی" خیابان ها را پر می کرد. جلوی سفارت، آذر درخشان جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم و به ویژه زنان را بر شمرد و از مبارزات مردم علیه این رژیم خونخوار، تجلیل کرد.... تاثیر خیابانی کارزار، با تغییراتی نسبت به سال گذشته، به همت گیسو شاکری بر زمینه سرود کارزار و در میان فریادهای شادی تظاهر کنندگان اجرا شد و سخنرانان، یکی پس از دیگری به دفاع از مبارزات زنان ایران پرداختند، از بین المللی بودن مبارزات زنان گفتند و بر لزوم اتحاد مبارزاتی زنان علیه ستم تاکید کردند. یکی از سخنرانان آنیا مرلن برگ بود که از زنان سرشناس هلند و از رهبران جنبش فمینیستی این کشور است. وی به زنان ایران، که مجبورند در دو جبهه، علیه جمهوری اسلامی و علیه قوانین ضد مهاجر کشورهای مثل هلند، مبارزه کنند، درود فرستاد و گفت از اینکه هلندی هستیم، خجالت می کشم [بعدها شنیدیم که بخاطر این سخنان شدیداً تحت فشار قرار گرفته است]. لیلا پرنیان حامل پیام کارزار زنان به جمهوری اسلامی شد و زنان دیگری از افغانستان، آلمان، ترکیه و .. نیز میکروفن را به دست گرفتند. مینا اسدی، شاعر انقلابی نیز جمهوری اسلامی را با صلابت همیشگی سخنش محکوم کرد. در پایان آذر شیبانی که مجری برنامه بود و در عین حال پیام ها را از انگلیسی به فارسی و یا بالعکس ترجمه می کرد، قطعنامه کارزار را قرائت کرد.

به هنگام قرائت قطعنامه، رزا وارد صحنه شد، متنی که در دست داشت، پاره کرد و گفت "این هم قطعنامه تان" و رفت. این مسئله باعث تعجب عده ای شد که از مبارزات قبلی

گزیده ای پیام وجهه زن مبارز افغانی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران

من اینجا هستم بعنوان یک زن افغان و صدای هزاران زن افغان ساکن ایران و افغانستان تا به شما بگویم ۲۷ سال سرکوب زنان افغانستان از طریق تغذیه مرتجع ترین نیروهای بنیادگرای اسلامی توسط شما مرتجعین جمهوری اسلامی و همپالگی های تان در افغانستان اتحاد مبارزاتی ما زنان ایران و افغانستان را هرچه بیشتر کرده است. همبستگی و همدستی شما با دشمنان زنان افغانستان همبستگی ما زنان را محکمتر کرده است...

من اینجا هستم تا بگویم ۲۷ سال اشاعه شوونیسم ضد افغانی از جانب رژیم بنیاد گرای اسلامی برای تفرقه انداختن بین ستمدیده گان ایرانی و افغانی، هرچه بیشتر موجب افشای شوونیسم فارس و نقش سرکوبگر آن در مورد همه ملل تحت ستم در ایران شد. سرکوبی که موجب همبستگی هرچه بیشتر ستمدیگان افغانی، کرد، ترک، لر و بلوچ شده است.

من اینجا هستم تا خبری امیدبخش را اعلام کنم، نیروی پر قدرتی در بین زنان افغانستان و ایران متولد شده است که تمام این عوامفریبی های شما را نقش بر آب میکند. حضور من و حضور صدها زن امروز جلوه ای از آن نیرو است.

ما اینجا حضور داریم تا به مردم دنیا بگوئیم زنان ایران برخاسته اند، زنان افغانستان بیدار شده اند و عزم کرده اند کلیه قوانین ضد زن را که مرتجعین بنیادگرای اسلامی بر آنان تحمیل کرده اند را برای همیشه در این دو کشور دفن کنند. در کنار ما بایستید.

ما زنان افغانی اینجا هستیم تا به زنان خاورمیانه بگوئیم برنامه جنبش های بنیادگرای اسلامی برای زنان هیچ تفاوتی با برنامه امپریالیستهای اشغالگر ندارد....

ما زنان افغانی در کنار زنان ایرانی... آینده خود را در آلترناتیوی رهایی بخش دیگری در تقابل با این دو آلترناتیو زن ستیز مردسالار جستجو می کنیم. آلترناتیوی که در حرف هایمان، مبارزات مان، مقاومت های روزمره مان تکرار کرده ایم و تا رهایی و برابری واقعی مان تکرار خواهیم کرد....

زنان علیه کلیه قوانین نا برابر و ضد زن، به خیابان آمده بود و با علم به اینکه این هدف بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست امپریالیسم ممکن نخواهد بود، موضع گیری مشخصی ضد جمهوری اسلامی و ضد امپریالیسم داشت. امسال بیش از سال گذشته، بر ضرورت ایجاد قطبی که علاوه بر مخالفت و مبارزه با جنگ و دخالت امپریالیستی، با جمهوری اسلامی نیز مماشات نکند، تاکید کردیم. چرا که خطر حمله و یا دخالت آمریکا بیشتر شده و بسیاری نه را، نه تنها در ایران، بلکه در جنبش ضد جنگ در غرب، به سوی دفاع از جمهوری اسلامی یا سکوت در برابر جنایت های آن، می کشانند. به همین دلیل بود که امسال بر

تظاهر کنندگان، با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر امپریالیسم"، به سوی سفارت آمریکا در لاهه به راه افتادند. جلوی سفارت، همه به انگلیسی "شعارهای مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "دست آمریکا از خاورمیانه کوتاه" و... را فریاد می کردند. یکی از شرکت کنندگان که از آسیای جنوب شرقی است و مدتهاست در هلند زندگی می کند، می گفت کاری که می کنید، خیلی مهم است، از حمله آمریکا به عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ تا کنون حتی یک تظاهرات هم مقابل این سفارت انجام نشده و این کار شما تاثیر زیادی خواهد گذاشت. وجود خبرنگاران فراوان در این مسیر، نشان از کار وسیع مطبوعاتی فعالین



در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران

این پیام کارزار است که توسط لیلا پرنیان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ارائه شد و به منظور چاپ کمی ویرایش شده است. - هشت مارس

ما زنان، اینجا، در مقابل شما زن ستیزان جمهوری اسلامی، ایستاده‌ایم، نسلی از زنانی که در "۸ مارس"، روز همبستگی بین المللی زنان، در سال ۵۷ به خیابان‌ها آمدیم، تا به حکم حجاب اجباری خمینی مرتجع، اعتراض کنیم.

آن زنانی که گفتند، نخواهند گذاشت، رژیم روی آرامش ببیند، و اعلام کردند، هرگز با نظام مرتجع اسلامی، آشتی نخواهند کرد. امروز نسل‌های دیگر نیز به صفوف ما پیوسته‌اند.

نسل جدیدی، که مانند موجی ما را نیز به جلو می‌راند.

عمرتان بر باد است.

تلاش زیادی برای مسخ نسل‌های جوان کردید، اما اینجا و در سراسر سرزمین نفت زده ما، انگشت اتهام آنان، به شما جنایتکاران، نشانه گرفته شده است.

به آنان در مکتب خانه‌ها درس ارتجاع دادید، اما در مقابل چشمان حیرت زده تان، بر ارزش‌های قرون وسطی تان، تف می‌اندازد و لحظه‌ای که وارد جامعه می‌شوند، گویی رسالتی به جز مبارزه با این رژیم ارتجاعی ندارند.

این نسل شورشی، از نسل ۵۷ نیز، بلندتر پرواز می‌کند و افق مردم جامعه را از کران تا کران می‌گشاید.

ما از توفان گذشتیم و آبدیده شدیم. بذرهایی کاشتیم که، نهال‌ها و درختان سرسبز آینده را نوید می‌دهند.

شیب‌ور آغاز جنگ ما، ۸۲ سال پیش نواخته شد و پرچم پیروزی آن را بر قله سرنگونی جمهوری اسلامی بر خواهیم افراشت. پرچم سیمگون رهایی کامل را، زمانی به احتزاز در خواهیم آورد، که حتی یک زن اسیر ستم و استثمار جنسیتی، بر روی این کره خاکی نباشد.

مادران، خواهران و دخترانمان را در زندان‌ها شکنجه کردید، مورد تجاوز قرار دادید، سنگسار کردید، به دار آویختید و هم اکنون نیز، بسیاری دیگر را در راهروهای سنگسار، به انتظار اجرای حکم نگه داشته‌اید. چه بسیار زنانی که در شعله‌های قوانین ارتجاعی و زن ستیز سوختند.

زن را شلاق می‌زدند، تا از اخلاقیات منفور رژیم ددمنشانه تان، تبعیت کنند، تا از سایه تان به خود بلرزند. اما هشدار! این زنان مانند فنر از جای می‌جهند و صورتتان را خون-آلود خواهند کرد.

امروز در اینجا اعلام می‌کنیم، که سال پیش، نیرویی در جنبش زنان شکل گرفت، که در همراهی با سایر نیروهای مترقی و آزادیخواه، در راه ساختن قطب سومی است، که با هر نوع دخالتگری امپریالیستی، اعم از تحریم و انقلاب مخملی و جنگ، مخالفت دارد و در برابرش ایستادگی خواهد کرد. ما در پی خلق جهانی هستیم که رهایی و آزادی زنان، سنگ نوشته‌های پاک نشدنی آن است. جهانی که در آن لبخند بر لب مردم رنج‌دیده جهان، به‌ویژه میلیاردها زن، بنشیند، و در بازوان آنان، جایی برای سازش و مماشات باقی نباشد.

ما بخش و گوشه‌چشمی هستیم، از نیروی خشمگین و رهایی‌بخش، که در جای جای جامعه ایران، در حال کندن گور این رژیم زن ستیز و جنایتکار است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ بر این رژیم ضد زن!

ما با خبر نبودند. در جلسات درونی کارزار، بر سر قطعنامه، مبارزاتی در گرفته بود و عدم توافقاتی موجود بود که در جلسه هفت مارس به برخی از آنها اشاره شد. اعتراض به قطعنامه، در واقع یکی از تبارزات بیرونی اختلافات و گرایش‌های متفاوت درون کارزار بود و در عین حال انگشت بر نکته مهمی گذاشت و آن اینکه، در جنبش، اغلب اوقات یا بر اختلافات، سرپوش گذاشته می‌شود و اقلیت نظری سرکوب می‌گردد، و یا به محض بروز یک اختلاف جدی، از هم جدا می‌شوند. ولی ما، از آنجا که امر رهایی زنان، برایمان مهم تر از منافع تنگ نظرانه فردی و یا گروهی است، در عین پیشبرد مبارزات جدی نظری، کنار هم می‌مانیم. چرا که می‌دانیم هیچ گرایشی به تنهایی به رهائی دست نمی‌یابد. در مجادلات نظری است که درک همگی مان از ملزومات رهائی و راه پیشروی تعمیق می‌شود و در همراهی با یکدیگر است که می‌توانیم بیشترین ضربه را به نظام مردسالار وارد کنیم....

با پایان یافتن تظاهرات، پراکنده شدیم تا دوباره در محلی که به منظور جشن هشت مارس آماده شده بود، گرد هم آئیم. این مکان، ساختمان مرکز فرهنگی یکی از سازمان‌های چپ کارگران ترکیه بود که در حمایت از کارزار، به رایگان در اختیارمان قرار داده شده بود.

بعد از صرف شام، بحث‌های کناری، مصاحبه با مطبوعات، آشنائی‌ها و... به سالن اصلی رفتیم تا پس از دومین راهپیمائی با شکوه کارزار زنان، شادمانه روز جهانی زن را به پایان برسانیم....

قدیمی دیگر در راستای رهائی زنان برداشته شد و همگی، به همراه یاران جوانی که این بار تعدادشان بسیار بود، با بحث و تفکر در باره گام‌های بعدی، محل جلسه را ترک کردیم.

از گوشه و کنار جهان در همبستگی با کارزار...

راهپیمائی کارزار همبستگی بسیاری از مبارزین رهائی زنان در سراسر دنیا را به خود جلب کرد. بسیاری در راهپیمائی کنار ما بودند. بسیاری دیگر پیام های همبستگی فرستادند، و عده ای در فعالیت های خود همراهی و همبستگی شان را با ما اعلام کردند. اینجا نمونه ای از این گستره جهانی مبارزه برای رهائی زنان، از هند، فنلاند و آمریکا را ملاحظه می کنید.

زنجیرها را بگسلیم! خشم زنان را، چون نیروی قدرتمند، در راه انقلاب رها کنیم

ماری لو گرین برگ

که با قشر حاکمه سیستم منسوخ امپریالیستی، دست به گریبان است. این دو نیروی ارتجاعی، حتی هنگامی که با هم در مخالفتند، یکدیگر را تحکیم می کنند. اگر از یکی از این "منسوخین" جانبداری کنید، هردوشان را تقویت کرده اید. راهپیمائی امروز، همچون راهپیمائی سال قبل، نمونه ای است از کسانی که هیچ یک از این دو قطب ارتجاعی را قبول ندارند و پرچم آینده ای کاملاً متفاوت را برافراشته اند. من این پیام همبستگی را به شما و مبارزه ای که نمایندگی اش می کنید، می فرستم. می دانم که میلیون ها زن و مرد در سراسر جهان در احساسی که در اطلاعیه تان بیان کرده اید، شریکند:

"ما زنان در ادامه راهی که سال گذشته آغاز کردیم، به دنبال ساختن جهانی هستیم بر پایه قدرت و مشارکت تمامی انسانهایی که سودی در دوام نظام های متکی بر ستم و استثمار ندارند...."

بیباید مبارزه برای جهانی دیگر را تسریع کنیم.

زنجیرها را بگسلیم! خشم زنان را چون نیروی قدرتمند در راه انقلاب، رها کنیم!

روشن بگویم، آمریکا بزرگترین عامل و بانی جنایت و ترور در جهان است و آزادی — به ویژه آزادی زنان — از طریق جنگ، اشغال و سلطه امپریالیستی، به کف نمی آید.

امروز، آمریکا جنگ با عراق را شدت می بخشد و تدارک اعمالی را می بیند که شاید منجر به جنایات عظیم تری علیه ایران و مردم ایران شود و این مسأله، اتحاد عاجل و وسیعی را، علیه امپریالیسم آمریکا و جنایاتش در جهان، الزام آور می کند.... در عین حال، مردم جهان نباید از ستمگران گوناگون جانبداری کنند. بلکه باید مجدانه، هم بر علیه جنگ و تجاوز امپریالیستی و هم بر علیه تئوکراسی اسلامی و آنان که هدفشان تحمیل حکومت هایی از این دست است، برخیزند....

همانطور که باب آوایان، صدر حزب کمونیست انقلابی آمریکا می گوید:

"ما شاهد مجادله بین جهاد از یک طرف و دنیای مک دونالدی و جنگ های صلیبی بوش از طرف دیگر هستیم. یک قشر منسوخ در کشورهای مستعمره و تحت سلطه وجود دارد،

در هشت مارس ۲۰۰۷، جلسه ای در نیویورک در همبستگی با تظاهرات کارزار زنان در لاهه برگزار شد و ماری لو گرین برگ که در راهپیمائی سال پیش همراه ما بود، پیام خود به کارزار را، در آنجا ارائه کرد. آنچه در زیر می خوانید، بخش هایی از این پیام است که به فارسی برگردانده ایم. — هشت مارس

هشت مارس، روز جهانی زن، روزی است که مردم دنیا در مبارزه و همبستگی برای آینده ای عاری از تحقیر و ستم به زن، برای رهایی نیمی از بشریت، در کنار هم می ایستند. روزی که، در آن نقش زنان در رهایی کل بشریت تجلیل می شود. سرنوشت اکثریت عظیم بشریت، چه مرد و چه زن، و در همه جا، به در هم شکستن زنجیرهایی وابسته است که، چه در کشورهای امپریالیستی و چه در تئوکراسی های اسلامی، بدن زنان را ناقص می کنند، کلام شان را خاموش می کنند، افکارشان را محدود می کنند و رویاهایشان را خرد می نمایند. هیچ خلقی، هیچ بخشی از بشریت، نمی تواند، وقتی نیمی از مردمش سرکوب شده و به بردگی کشیده شده اند، آزاد باشد.

ما در اطراف خرد، همه جا می بینیم که جهان، در حسرت تغییری انقلابی است. همه زنجیرهای سنت، باید شکسته شوند. روشن بینی در این زمینه و مجهز شدن به ابزار برای خرد کردن کامل این زنجیرها، تنها با یک برنامه و دیدگاه نوین انقلابی کمونیستی، قابل دست یابی است. این برنامه و دیدگاه، برای هر تغییر بنیادین و رهایی بخش، چه در کشورهای امپریالیستی و چه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، لازم است.

یکی از این زنجیرها، سلطه پدرسالارانه است، که تجاوز، خشونت بردگی خانگی و اشکال دیگر ستم اجتماعی و روزمره بر زنان در همه کشورها را، به هم متصل می کند. این جنایات، بخش جدائی ناپذیر جنگ و اشغال امپریالیستی نیز هستند، که امروزه و در حالی که جنگ افروزان آمریکایی، عوام فریبانه "آزادی"، "دموکراسی" و "حقوق زنان" را موعظه می کنند، انجام می شود.

پیام جنبش فمینیستی انقلابی — هند

به دوستان عزیز کارزار،

ما از این که شما در صدد برگزاری یک راهپیمائی به مناسبت هشت مارس هستید، بسیار خوشحالیم.

می گویند در کشور ما، هند، دموکراسی وجود دارد، و می گویند کرایام، پیشرفته ترین ایالت کشور است. ولی ستمی که زنان تمامی ادیان متحمل می شوند، بسیار شدید است.

قتل برای جهیزیه، سقط جنین مونث، دزدی دختران جوان برای فحشا و خشونت خانگی، اشکال شدید تر این ستم ها، هستند. سلسله مراتب برهمنی کاست، که هیچ مذهبی در هند از آن خلاصی ندارد، ارزش های ضد زن خود را به تمامی عرصه های اجتماعی تحمیل می کند. در سال های اخیر، بنیادگرایان مذهبی، حملات خود را بر حقوقی که زنان کسب کرده اند، افزایش داده اند. در هشت مارس، ما هم کارزارهایی تبلیغاتی و راهپیمائی هایی، سازمان می دهیم. تمرکز این فعالیت ها بر روی محرومیت هایی است که توسط ارتجاعیون و در پروسه جهانی سازی امپریالیستی، به زنان تحمیل شده است.

هر چند در دو نقطه متفاوت جهانی، ولی صدایمان در مبارزه برای خلق جهانی نوین یکی است.

با همبستگی شارادا،

دبیر کمیته ایالتی جنبش فمینیستی انقلابی (کرایام) ۲۵ فوریه ۲۰۰۷

کلنجارهایی در مسیر رهائی

نگاهی اجمالی به جلسه ۷ مارس در لاهه

یکی از ویژگی‌های کارزار لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان، تنوع گرایش‌های متفاوت درون آن است. این خود نشان می‌دهد که زنان بسیاری، در عین مبارزه برای حقوق خود، به این مسئله واقفند که کسب برابری حقوقی بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و بدون موضع‌گیری قاطع علیه امپریالیسم ممکن نیست. این تنوع ایده‌ها که نشانگر وسعت گرایش انقلابی جنبش زنان است، در عین حال دستمایه با ارزشی برای تعمیق درک همگی‌مان از ابعاد و ریشه‌های ستم و راه کارهای مبارزه با آن است. البته برخورد نظرات همیشه دلچسب نیست، ولی تا کنون با عزم راسخ برای مبارزه علیه زن ستیزی و انعطافی که حاصل از درک اهمیت مبارزه متحد برای پیروزی است، توانسته‌ایم از هم بیاموزیم، صفوف‌مان را به هم نزدیک کنیم و امید به تغییر واقعی را در دل‌های بسیاری بکاریم. یکی از نمونه‌های عالی این برخورد نظرات، شب هفتم مارس در شهر لاهه در هلند بود. در این شب به ابتکار جمعی از فعالین کارزار در پاریس، جلسه‌ای تحت عنوان «درک ما از حرکت کارزار در جنبش زنان ایران و جهان - تفاوت نظری ما با دیگران»، برای آشنائی بیشتر فعالین با نظرات یکدیگر برگزار شد. در این جلسه که با ترکیب بی‌نظیری از جدیت و شوخ طبعی توسط جمیله ندائی اداره می‌شد، تعدادی از فعالین در فضائی سرشار از شور و همبستگی در سالنی که بیش از ۱۰۰ نفر را به سختی در خود جای داده بود، نظرات خود را بطور فشرده عرضه کردند. سپس حاضرین با سوالات و نظرات خود به غنای بحث کمک کردند.

باید اضافه کنیم که، همان روز از فوت نابهنگام پوران بازرگان با خیر شدیم. جلسه را با یک دقیقه سکوت به یاد پوران و با قرائت پیام کارزار به مناسبت فوت وی آغاز کردیم. آنچه در زیر می‌خوانید گزارش کوتاهی است از این جلسه. با این امید که متن کامل صحبت‌ها، برای درک عمیق تر از نظرات موجود در کارزار، بزودی منتشر شود. - هشت مارس

تقویت می‌کرد، ولی زنان آستین بالا زدند و به جنبش انرژی دادند. او گفت مبارزه با درد مشترک جنس دوم بودن و بی‌حقوقی، از رژیم کنونی که پاسدار آن است، می‌گذرد و برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی را می‌طلبد. فیروزه کارزار را حرکتی جنبشی دانست و تفاوت‌های آن را با احزاب سیاسی در زمینه سازمان‌یابی گوشزد کرد. او در عین تاکید بر یکدست نبودن نظرات، بر لزوم ایجاد فضای مناسب و بدور از شیوه‌های مردسالارانه برای پیشروی کارزار و رشد استعدادها اشاره کرد. صدیقه محمدی از فعالین چپ و زنان گفت حرکت کارزار را سرمشقی برای جنبش

گلاویز حسینی از فعالین چپ و زنان گفت که با گذشتن از مرزهای کردستان و دیدن رنج زنان در سایر نقاط، خود را کنار زنان جسور دیگری یافته که علیه نظام مردسالار مبارزه می‌کنند. او ضمن انتقاد از کسانی که می‌کوشند مبارزات زنان را به تغییر قوانین در چارچوب حکومت محدود کنند و سرمایه‌داری را از زیر ضرب نجات دهند، گفت کارزار صدای زنان ستمدیده ایران است و رادیکالیسم آن با چپ همخوانی دارد.

فیروزه راد از فعالین مستقل چپ و زنان گفت استمرار سرکوب توده‌ها، انشقاق نیروهای مترقی و انفراد، الزام به سازش را

همبستگی با کارزار در فنلاند

روزهای ۸ و ۹ مارس ۲۰۰۷، سمینار دو روزه ای به مناسبت روز جهانی زن در ساختمان مرکزی انجمن زنان شهر تورکو در فنلاند، برگزار شد. شرکت کنندگان در این سمینار از کشورهای چون سوئد، دانمارک و آلمان بودند.

زنان و دختران جوان کرد ساکن این شهر نیز، بطور چشمگیری در این سمینار شرکت داشتند. ما فعالین هشت مارس که به علت مشکلات مالی نتوانستیم در راهپیمائی روز هشت مارس در هلند شرکت کنیم، در این سمینار شرکت کردیم.

سمینار با قرائت اطلاعیه شماره ۱ کارزار لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان به زبان‌های فارسی و فنلاندی آغاز شد، که حاضرین را تحت تاثیر قرار داد. پس از آن چون سمینار همزمان بود با شروع راهپیمائی مرکزی کارزار زنان در هلند، به زبان فنلاندی از این راهپیمائی حمایت شد.

سپس فیلمی در مورد زندگی و مرگ فادیما شاهین دال، دختری که در سال ۲۰۰۲ توسط پدرش در سوئد به قتل رسید، پخش شد. ضمن برنامه، تصاویری از راهپیمائی کارزار زنان در هشت مارس ۲۰۰۶ در هلند، پخش می‌شد.

در پایان برنامه صبح اطلاعیه شماره ۱ کارزار به زبان‌های مختلف از جمله کردی، ترکی، انگلیسی، فنلاندی، فارسی و سوئدی و ... پخش شد. بعدازظهر، سمینار با بحث و گفتگو پیرامون اینکه چه برنامه‌ای را پیش بگیرند که اتفاقاتی نظیر قتل فادیما در اروپا صورت نگیرد، آغاز شد که زنان کرد در این بحث‌ها فعالانه شرکت کردند....

در پایان روز دوم سمینار نیز جشنی که به مناسبت روز جهانی زن برگزار شده که در آن بسیاری از ملیت‌های مختلف از جمله کرد، فارس، آلبانی، برزیل و ... شرکت داشتند....

فعالین کارزار لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان - فنلاند

کمونیستی و رادیکال می‌داند. او مخالفتش را با شعار «رهائی زنان فقط به دست خود زنان میسر است» که بر دیوار محل جلسه نصب شده بود، ابراز کرد و گفت برای رسیدن به رهائی پشتمانی مردان هم لازم است. صدیقه با رد نظرات کسانی که مسبب موقعیت فرودست زنان را، خود زنان می‌دانند، عدم وجود امکانات برابر را علت تداوم و تحکیم نابرابری زن و مرد دانست. او با اشاره به جهانی شدن و زنانه شدن فقر بر لزوم مبارزه با فقر برای دستیابی به امکانات برابر تاکید گذاشت، امری که از نظر وی راه را برای فائق آمدن بر نابرابری باز می‌کند.

یکی از ویژگی‌های فراخوان راهپیمایی امسال طرح خطوط جامعه آینده در رابطه با زنان بود. زیرا برای مبارزه پیگیر با زن ستیزی و بانیناش، به تصویری حداقل از دنیایی بدون ستم لازم است. صدیقه نیز با تاکید بر این نکته گفت جنبش ضد جنگ باید در سطح دنیا، آلترناتیو جهان کنونی را به بحث بگذارد و اضافه کرد که سوسیالیسم شرایط ستم جنسی را به سریعترین شکل، از بین می‌برد. او اضافه کرد که از نظر وی، روی جنبش زنان باید به کارگران، به عنوان متحد استراتژیک زنان باشد، در عین اینکه نباید مبارزه را به مبارزه طبقاتی و ضد سرمایه‌داری محدود کنیم و باید ضد مردسالاری و پدرسالاری نیز مبارزه کنیم، و الا یا فمینیست بورژوا می‌شویم و یا کمونیست خشک و خیلی هم ضد زن. متاسفانه ضیق وقت اجازه نداد به این نکته بپردازیم که چطور می‌شود هم کمونیست بود هم ضد نیمی از جمعیت جهان. صدیقه در سخنان خود بر نکاتی انگشت گذاشت که چه در جنبش زنان و چه در جنبش چپ مورد مجادله است. سوالاتی نظیر اینکه آیا ترویج افکار ضد زن، تحت پوشش دفاع از سوسیالیسم به بی آبرو کردن سوسیالیسم در میان زنان نیانجامیده است؟ آیا فعالیت کمونیستی به فعالیت کارگری محدود می‌شود؟ آیا ساختن جهان و جامعه‌ای نوین، بدون نقد تمام امتیازات و سلسله مراتب ستمگرانه، ممکن است؟ و اصولاً نقش زنان در این مبارزه چیست؟....

رزا، فعال آنارکوفمینیست، گفت که هر چند تصویر روشنی از جهان آینده ندارم، ولی می‌دانم چه چیزی در جهان کنونی اصلاح ناپذیر است و باید خراب شود. او گفت قدرت نباید به دست گروه خاصی بیافتد و به تجربه خانه‌های اتونوم به عنوان نمونه‌ای که در آنها اتوریته اعمال نمی‌شود، اشاره کرد. او گفت هیچ رسالتی برای طبقه کارگر قائل نیست و آنچه باید خراب شود و آنچه باید ساخته شود،

عظیم تر از آن است که کار یک دسته و حزب باشد و مشارکت همه را می‌طلبد.

محور بحث رزا تاکید به لزوم جنبش مستقل زنان، به معنی استقلال از دولت‌ها، احزاب و مردان بود. وی در این رابطه به تجربه ساختمان سوسیالیسم در شوروی اشاره کرد و گفت آنجا هم بر خلاف تصور برخی، بهشت برین نبوده و قوانین خوبی که بلشویک‌ها در ابتدا صادر کردند، بین سال‌های ۲۰ تا ۳۵ پس گرفته شد و جای خود را به قوانین بسیار عقب‌مانده داد. از نظر او این مشکل نتیجه وابستگی سازمان‌های زنان به حزب بود. رزا به درستی به اهمیت مبارزات مستقل زنان برای کسب حقوق خود تاکید کرد و گفت قانونی که دستاورد مبارزه خود زنان نباشد، به راحتی پس گرفته می‌شود. او تاکید کرد که کارزار ظرفی برای مبارزه علیه ستم جنسی است و فعالیت در آن نافی مبارزه در عرصه‌های دیگر و در ارگان‌های دیگر نیست. او به سازمان‌های چپ گفت که اگر مدعی هستید با رهایی زنان مخالفتی ندارید، نمی‌توانید مانع حرکت مستقل جنبش زنان شوید. در پایان گفت که با قطعنامه مخالف است چرا که بر ستم جنسی تاکید ندارد و ابراز امیدواری کرد که کارزار رشد کند و قوی شود.

ماریا رشیدی از رادیو حق زنان در سوئد، با این گفته که هر یک از ما نماینده کارزار هستیم و اگر کار کنیم چندین برابر خواهیم شد، به همه‌گیر بودن ستم پرداخت. او گفت که ستمگری به مردان خلاصه نشده و بسیار پیش می‌آید که زنان نیز به شیوه‌های مردسالارانه (و از جمله نخبه گرایی)، زنان دیگر را سرکوب می‌کنند. ماریا با علم به اینکه مبارزه با مردسالاری مهمتر از آن است که به نخبگان سپرده شود، تمام کسانی را که بیشتر از بیرون، نظارمگر فعالیت کارزار بوده‌اند، فرا خواند که بیابند و در مبارزه نقش فعال‌تری بگیرند. او بدرستی گفت که برای مبارزه علیه ستم جنسی لازم نیست سوسیالیست و یا کمونیست بود، به ما به عنوان جنس زن، ستم می‌شود و حتی زنان طبقات مرفه هم، مورد ستم واقع می‌شوند. وی در عین حال لزوم مرزبندی با جریان‌هایی که با امثال نوه خمینی همراه می‌شوند و این تصور را می‌دهند که جمهوری اسلامی با حقوق زنان همخوانی دارد، را یادآوری کرد.

مهری زند از جمهوری خواهان لائیک نیز سخنان خود را با این سوال که "آیا موقعیت درجه دوم زن افسانه است یا واقعیت؟" آغاز کرد. سوالی که متوجه آنانی بود که در عین اینکه در حرف، ستم بر زن را قبول دارند، ولی در عمل و به بهانه‌های گوناگون هرگونه مبارزه جدی و مشخص علیه این نابرابری

را تخطئه می‌کنند. او بعد از نگاهی گذرا به ریشه‌های این ستم و مبارزات زنان، تاکید کرد که ستم جنسی، همه زنان را در بر می‌گیرد و این علاوه بر، و جدای از ستم طبقاتی است که بخش عظیمی از مردم جامعه، از جمله زنان متحمل می‌شوند. او گفت هر چند زنان فقیر، نسبت به زنان مرفه، بطور شدیدتر تحت این ستم قرار دارند، ولی ستم یکی است و مبارزه با آن نیز ظرف خاصی نیاز دارد. او اضافه کرد که آنچه گرایش‌های سازمان‌های مختلف زنان را تعیین می‌کند، خط سیاسی حاکم بر آنها و راه حلی است که برای نابودی این ستم ارائه می‌دهند.

با این وجود، مهری مشکل کنونی جامعه را عدم وجود آزادی‌های اولیه، از جمله آزادی بیان دانست که از نظر وی نمی‌گذارد، مبارزات راستین شکل بگیرد و مبارزات زنان برای حقوق خود با پیوستن به سایر جنبش‌های اجتماعی می‌تواند، تبدیل به سیلی بشود که بنیاد رژیم را بر افکند و راه را برای آزادی‌ها از جمله آزادی تشکل باز کند.

آذر درخشان فعال جنبش کمونیستی و از فعالین سازمان زنان هشت مارس، گفت که کارزار ظرفی است برای مبارزه علیه ستم و استثمار جنسی، که بطور شفاف درکش را در مورد قوانین و مواضعش را در مورد جمهوری اسلامی و امپریالیست‌ها، روشن کرده است. مرز کارزار با کسانی که انرژی زنان را در جهت منافع نظام‌های زن ستیز یا مناسباتی شبیه مناسبات کنونی تلف می‌کنند، مشخص است. آذر گفت در شرایط کنونی دو قطب ارتجاعی با هم در جدلند که هر کدام به نوعی مدعی مالکیت بر سرنوشت زنانند، و امروز جنبش زنان یک نیروی اجتماعی است که می‌تواند علیه هر دو قطب و برای منافع خودش عرض اندام کند. در پرتو این دیدگاه کارزار می‌تواند به ساختن قطبی از نیروهای اجتماعی، برای ساختن جهانی دیگر کمک کند و نقطه تلاقی بحث‌های درون این جنبش باشد.

او با تاکید بر این حقیقت که درجه آزادی یک جامعه با درجه آزادی زنان آن جامعه رابطه مستقیم دارد، گفت اولین حرکت خمینی به هنگام کسب قدرت، سرکوب زنان بود و خمینی با این حرکت از همان ابتدا، نوع مناسبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را که خواهان تحکیمش بود، اعلام کرد. آذر به لزوم بالا بردن درک جنبش انقلابی از رابطه ستم جنسی و طبقاتی تاکید کرد و گفت اگر واقعا خواهان رسیدن به سوسیالیسم هستیم، باید از همین امروز برای جوانه‌های جامعه آینده مبارزه کنیم و کمک به تقویت جنبش مستقل

یکی دیگر از حاضرین در جلسه گفت که بدترین توهین به انسان استثمار است و نمی‌فهمد چطور یک نفر می‌تواند ادعای آزادی داشته باشد و چشمش را بر این توهین ببندد و بگوید تمرکز مبارزه من چیز دیگری است. سخنان وی در واقع فشرده نظراتی بود در جنبش چپ که مبارزه علیه ستم جنسی را نه به خودی خود مهم می‌دانند و نه اهمیتش در مبارزه علیه نظام حاکم بر جهان را به رسمیت می‌شناسند و مبارزه با این نظام را به مبارزه با استثمار تقلیل می‌دهند.

شرکت کننده دیگری، کارزار را تجربه‌ای کم سابقه در مبارزات مردم خواند و به لزوم ادامه راه و جوش خوردن با داخل تکیه کرد.

از ویژگی‌های این جلسه حضور تعدادی از زنان جوان با تجاربی کاملاً متفاوت از نسل پیش بود که با شرکت خود زوایای دیگری را برای نگرش به جنبش گشودند. زن جوانی که از سوئد برای شرکت در راهپیمایی آمده بود گفت نباید به مبارزات زنان در ایران یک جانبه برخورد کرد و آنها هم در آگاه کردن زنان موثرند. او گفت بین نقد و محکوم کردن تفاوت هست و مخالفت با جمهوری اسلامی نباید باعث فدا کردن زنان دیگر شود. او به این مسئله نیز اشاره کرد که کارزار هنوز در ایران شناخته شده، نیست. زن جوان دیگری که از فعالین جنبش دانشجویی نیز هست، گفت که ارزش کارزار بیش از هر چیز در فعالیت عملی آن است. وی فعالین قدیمی را مخاطب قرار داد و گفت نسل من فکر نمی‌کند کارهایی که شما می‌کنید، به نتیجه برسد. انقلاب برای بچه‌های ایران مثل کبریتی است که سوخته و تمام شده است و آنها به دنبال راحل‌های "ممکن" می‌گردند. وی به عنوان کسی که خود به انقلاب اعتقاد راسخ دارد، گفت باید راهی پیدا کنیم که امید را به میان جوانان ببریم. توجه به مسائل مطروحه از طرف نسل جوان فعالین زنان، چگونگی ترکیب تجربه مبارزاتی نسل قبل با شوق و نیازهای نسل جوان، از نکاتی بود که لزوم پرداختن به آنها، در بخش پرسش و پاسخ مطرح شد.

کلنجرهای نظری این جلسه نه تنها خللی به ارادمان برای گام زدن در کنار هم ایجاد نکرد، بلکه با گسترش وسعت دیدمان از رنگارنگی و توانایی‌های جنبش زنان، با هم بودنمان در مبارزه برای رهائی را پر معناتر کرد. جلسه را با سرودی دستجمعی به یاد پوران بازرگان خاتمه دادیم و رفتیم تا برای فردا و فرداها آماده شویم. ■

با گرایش‌های مختلف هستند که همگی خواهان دگرگونی مناسبات اجتماعی‌اند، و این در واقع انعکاس گرایش‌های موجود در جامعه در جنبش زنان است. او گفت کارزار در بحبوحه پراکندگی جنبش چپ و انقلابی شکل گرفت، زنان قدم جلو گذاشتند و این ظرفی است که حاضر نیست، مبارزه با ستم جنسی را فدای مبارزات دیگر بکند. او در مقابل گرایشاتی که می‌خواهند جنبش زنان را تابع جنبش طبقه کارگر بکنند، گفت که اجازه بدهیم در طبقه کارگر سر زن انشعاب شود، این به نفع جنبش عدالت خواهانه، دموکراتیک و کمونیستی است.

زمان مسعودی از فعالین زنان و چپ در آلمان، به اهمیت استفاده آگاهانه از زبان و اجتناب از استفاده از زبان مردسالار توسط زنان گفت و بر لزوم داشتن تعاریف مشترک از لغات برای تعمیق بحث، تاکید کرد و گفت کارزار اتحاد نیست و فعالیت مشترک است. اما نکته اصلی بحث زمان، زن ستیزی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته / امپریالیستی بود. او به درستی تاکید کرد که هنگام بررسی کارنامه کشورهای سوسیالیستی در مورد زنان و مقایسه آن با کشورهای سرمایه‌داری، باید دیدی همه جانبه اتخاذ کنیم، زیرا بررسی‌های یک جانبه و غیر تاریخی تجربه سوسیالیسم، ممکن است ما را به دفاع از کشورهای امپریالیستی بکشاند.

مهشید از فعالین کارگری در فرانسه به عواقب اهمیت ندادن چپ به مسئله زن انگشت گذاشت و اینکه چطور این بی‌توجهی به نفع ایدئولوژی‌های سرکوبگر تمام می‌شود. او به تهاجم تبلیغاتی اسلامی‌ها اشاره کرد و گفت با پاگرفتن پست مدرنیسم و دنباله روی چپ رادیکال در اروپا از اسلامیت‌ها، شرایطی بوجود آمده که حتی در غرب نیز به نوعی حجاب زنان توجیه می‌شود.

عده‌ای از مردان شرکت کننده نیز نظرات خود را در مورد کارزار و جنبش زنان بیان کردند. این مباحث نیز حاکی از درک‌های متفاوت از اهمیت جنبش زنان، توانایی‌اش در ایجاد تغییرات جدی در صحنه سیاسی جامعه و نقش زنان و مسئله زن در مبارزه برای جهانی عاری از ستم و استثمار بود. یکی از شرکت کنندگان گفت جنبش زنان مانند جنبش خلق کرد و سایر جنبش‌ها (از جمله جنبش کارگری) از گرایش‌های مختلف تشکیل شده و باید جنبش رادیکال زنان را با مرزبندی با فمینیسم اسلامی و زنان لیبرال تقویت کرد و هر چند این گرایش رادیکال نمی‌تواند معجزه کند، ولی می‌تواند راه درستی به زنان نشان دهد.

زنان، بخشی از همین مسئله است. جمله ندائی سینماگر و فعال جنبش زنان، تاکید کرد که هیچ انقلابی در آینده، بدون انقلاب جنسی، انجام نخواهد شد و هر انقلاب، ایده و نیروی سیاسی‌ای که مسئله زنان را به عنوان یکی از اصول برنامه خود مطرح نکند، جویگویی نسل‌های آینده، نخواهد بود. جمله گفت که برای کارزار نقش ویژه‌ای در تاریخ جنبش زنان ایران قائل است، چرا که اولویت مبارزه سیاسی را به زنان داده است، سر سازگاری با اسلام سیاسی نداشته و همه قوانینی را که از دین، و از همه ادیان، ناشی می‌شود، مردود می‌شمارد، دموکراتیک و افقی است و جنبش زنان را طبقاتی (و بطور مشخص مبتنی بر روابط قدرت و تحمیل از بالا) نمی‌کند، زنان اینجا با مسئولیت فردی و با اعتقاد به دو اصل اساسی نه امپریالیسم و نه جمهوری اسلامی، در مقابل جمع جویگو هستند و تاکید کرد که مخالفت با دخالت خارجی به مخالفت با حمله نظامی، محدود نشده و اشکال دیگر فرهنگی و استثمار را نیز در بر می‌گیرد.

یکی از انتقاداتی که از جانب چپ به جنبش زنان بطور کلی و به کارزار بطور مشخص صورت می‌گیرد، این است که برخی وظیفه اصلی جنبش زنان را دفاع از طبقه کارگر می‌دانند و نه مبارزه برای حقوق خود. بسیاری از شرکت کنندگان از دید خود به این مسئله پرداختند و جمله نیز گفت که کارزار به عنوان یک جنبش اجتماعی در کنار سایر جنبش‌های اجتماعی چه در ایران و چه در جهان قرار دارد و هیچ جنبشی را به دیگری ترجیح نمی‌دهد. او تاکید کرد یکی از ویژگی‌های جنبش زنان بطور کلی این است از تمامی مردودین جامعه سرمایه‌داری حمایت می‌کند.

جمله در مقابل کسانی که به بهانه اسلامی بودن جامعه، می‌خواهند حقوق زنان را در اسارت اسلام نگاه دارند و با اشاره به انقلاب ۵۷، گفت اتفاقی که در ایران افتاد، خواهان حکومت مذهبی نبود، و الا حکومت ملاما مجبور به این همه سرکوب و شکنجه و کشتار نمی‌شد. او بر لزوم توجه به اوضاع روز و روندهای سیاسی تاکید کرد و با اشاره به کمپین یک میلیون امضا، گفت که این کمپین در عین اینکه عکس‌العملی به کارزار است، در عین حال بخشی از پروژه انقلاب محملی نیز می‌باشد. جمله در پایان با تاکید به اهمیت مبارزه با ستم جنسی گفت که مبارزه با این ستم در زمینه وقایع سیاسی جاری معنا پیدا می‌کند.

اسرین فعال چپ جنبش کارگری و زنان با اشاره به اختلافاتی که در مورد قطعنامه بروز کرده‌بود، گفت در عمل می‌بینیم زنانی

پیامی به وسعت تبعید

چند گزارشی از فعالیت‌های سوم مارس کارزار

راهپیمایی هشت مارس کارزار زنان در لاهه، یکی از بزرگترین گردهمایی‌های اپوزیسیون انقلابی خارج از کشور بود. ولی فقط از طریق این راهپیمایی نبود که صدای مبارزات زنان ایران را علیه جمهوری اسلامی و دخالت‌های امپریالیستی، برای ساختن جهانی عاری از ستم، به گوش جهانیان می‌رساندیم. می‌دانستیم که افراد بسیاری در کشورهای محل زندگی-مان، هستند که باید از طریق فعالیت‌های محلی با پیام کارزار زنان آشنا شوند. به علاوه، عده‌ای از فعالین کارزار و زنان و مردانی که خواهان شرکت در این مبارزه‌اند، به دلایل متعدد، از جمله مشکلات مالی و یا پناهندگی، امکان سفر نداشتند. به همین دلیل امسال کارزار تصمیم گرفت روز سوم‌مارس نیز آکسیون‌ها، راهپیمایی‌ها و جلساتی را در کشورهای مختلف برگزار کند. این تجربه، به برگزاری راهپیمایی مرکزی هشت مارس در لاهه کمک کرد، همه ما را درگیر فعالیت مشترک کرد، به هم نزدیک‌ترمان کرد و مهمتر از همه باعث شد که افراد بیشتری از ساکنان این کشورها، با شرایط زنان ایران و اهداف مبارزات ما آشنا شوند. موفقیت این تجمعات نشان از امکان فزاینده اتحاد عمل حول شعارهای کارزار داشت. در لندن پس از سال‌ها، اپوزیسیون انقلابی جمهوری اسلامی، توانست تظاهراتی وسیع، حول شعارهای انقلابی، سازمان دهد و این، در کشوری که دولتش نزدیکترین متحد امپریالیسم آمریکاست و بخش غالب نیروهای ضد جنگش، به دنبال اسلامیت‌ها روان شده‌اند، بسیار مهم بود.

امسال ما توانستیم یکی از واقعیت‌های اپوزیسیون خارج از کشور، یعنی پراکندگی در کشورهای مختلف را به نقطه قوتی برای فراگیر کردن یک پیام واحد و انقلابی تبدیل کنیم. آنچه در زیر می‌خوانید، خلاصه‌ای است از گزارشات فعالین کارزار که به منظور چاپ، ویرایش شده است. نسخه کامل این گزارشات و برخی فایل‌های صوتی مربوط به آن در سایت هشت مارس و سایت کارزار، قابل دسترسی است. - هشت مارس

تورنتو - کانادا (گزارشی از آنهابتا)

بیش از چهل نفر از زنان و مردان آزادیخواه، علیرغم سرمای شدید در میدان دانداس تورنتو فریاد می‌زدند "نه به جمهوری اسلامی، نه به امپریالیست‌ها، ما جهان دیگری خواهیم ساخت". تلاش داشتند صدای فریاد زنان ایران را به گوش مردم کانادا برسانند. از بلندگوهای این آکسیون فریاد "نه به جنگ"، "آمریکا، از خاورمیانه برو بیرون"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "حق زن، حق بشر است"، "محاکمه و مجازات آمرین و عاملین قتل زهرا کاظمی"، "کانادا از افغانستان بیرون" و ... توجه رهگذران را به خود جلب می‌کرد. برای این آکسیون چند هزار اعلامیه، از قبل پخش شده بود و در حین تظاهرات نیز، تعداد زیادی اعلامیه کارزار پخش گردید. سپس تظاهر کنندگان بسوی دانشگاه رایسون، محل برگزاری جشنی که قرار بود به مناسبت روز جهانی زن برگزار شود، حرکت کردند.

دانشجوی جوانی به نام گلنا، در مقابل بیش از ۱۰۰ نفر، مراسم در سالن را، اینگونه آغاز کرد: "تا زمانی که یک زن در جهان تحت ستم باشد، هیچکس بواقع آزاد نیست!". سپس، به

دانشگاه یورگ به صحنه آمد که در آن، به ستم مشترکی که بر زنان در زیر سایه نظام شوم مرد سالار جنگ طلب، وارد می‌شود، پرداخته شد. نمایش، زن یهودی‌ای را نشان می‌داد که چشم‌هایش بسته شده بود تا واقعیت‌های موجود را نبیند و زن فلسطینی‌ای با دهان بسته، تا واقعیت‌ها را نگوید. در این نمایش می‌دیدیم که چطور این دو زن به هم کمک می‌کنند تا برای رهایی، زندانبان خود را به دار بیاویزند!

پس از تأثیر، شهرزاد مجاب سخنرانی‌ای را به زبان انگلیسی ارائه کرد که متن آن را در همین شماره ملاحظه می‌کنید و سپس تأثیر دیگری اجرا شد که در آن دختری ۹ ساله، به نام زهرا، به دست پدرش به قتل می‌رسید و نشان می‌داد، که چطور در جمهوری اسلامی قوانین و آداب و سنن دست در دست هم داده، تا چنین وقایعی اتفاق افتد. این تأثیر شروع زیبایی داشت، به این شکل که از درون جمعیت و از هر گوشه زنی بلند شد و خود را به عنوان یک زن محکوم به اعدام یا سنگسار شده؛ معرفی کرد و از دلیل سنگسار شدنش گفت ... بعد از آن رقص شاد ناتالی؛ همراه با دست زدن حاضرین اجرا شد....

... پس از خواندن پیام‌های همبستگی، فیروزه شعر زیبای بانو کاری، از سیمین بهبهانی را با صدایی زیبا دکلمه کرد. سپس

تاریخچه هشت مارس اشاره کرد... و متذکر شد که روز ۸ مارس از سنن ماندگار و پر افتخار جنبش کمونیستی است.

برنامه با سخنرانی آنهابتا رحمانی، یکی از فعالین کارزار زنان و زندانی سیاسی که ۸ سال از عمر خود را در زندان‌های جمهوری اسلامی گذرانده، ادامه یافت. او اعلام کرد که مراسم امسال روز جهانی زن با تلاش و کوشش بیش از سی زن، برگزار می‌شود، که علیرغم کار بیرون و خانه عهد بسته بودند که صدای فریاد زنان ایران را به گوش مردم کانادا برسانند. او پس از تجزیه و تحلیلی از اوضاع جهانی و شرایط حساسی که جنبش زنان در آن بسر می‌برد، به نقشه‌های آمریکا و جمهوری اسلامی اشاره کرد و این که هر کدام تلاش دارند، این جنبش را سیاهی لشکر اهداف شوم خود کنند. وی سپس به گرایش‌های درون این جنبش پرداخت، که عده‌ای سازش جنبش زنان با اسلام را موعظه می‌کنند و گرایش دیگری منتظر است که آمریکا برایشان رهایی بیاورد. در مقابل این دو گرایش، گرایش سومی وجود دارد که با هیچ نوع از ستم سازش ندارد و معتقد است رهایی خود را تنها با اتکا به خود می‌تواند، بدست آورد و کارزار زنان تلاش دارد که این گرایش را تقویت کند ... در بخش بعدی برنامه، تأثیری از گروه هنری

اکثر قریب به اتفاق آنها، حمایت خود را از خواسته‌های ما اعلام کردند. درکل، این آکسیون، موفقیت آمیز بود و در طی آن توانستیم، افراد بسیاری را از اهداف کارزار و تظاهرات هشت‌مارس در لاهه مطلع کنیم.

برمن - آلمان (گزارش از اختر)

روز سوم مارس ۲۰۰۷ در شهر برمن آلمان، از ساعت ۱۱ تا ۱۳، گردهمایی‌ای به مناسبت بزرگداشت روز زن و معرفی و تبلیغ راهپیمایی ۸ مارس کارزار در هلند، برگزار شد.

از دو هفته قبل فراخوانی به این منظور تهیه شد و از طریق تلفن، ایمیل و ملاقات‌های حضوری نیز، از افراد و گروه‌های مترقی ایرانی و غیر ایرانی، برای حضور در این گردهمایی دعوت به عمل آمد.

با وجود اینکه هوا سرد و بارانی بود، استقبال گرم و صمیمانه‌ای از دعوت ما شد. حضور تعدادی از امضاء کنندگان کارزار در برمن، تعدادی از زنان و مردان ایرانی حمایت کننده از کارزار، دوستانمان از گروه آلمانی بدون مرز "No Borders" که در راهپیمایی سال گذشته کارزار، ما را همراهی کرده بودند و همچنین دوستانی از گروه کاروان که آنها هم از همراهان راهپیمایی سال گذشته ما بودند و چند خواننده مترقی و زن‌ونلایی، جو بسیار زیبایی ایجاد کرده بودند ...

متن خلاصه شده اطلاعیه مرکزی چندین بار از طریق بلندگوی دستی توسط دختر جوانی که از حمایت کنندگان کارزار است، خوانده شد و شعار اصلی کارزار "نه به امپریالیسم، نه به جمهوری اسلامی، ما در حال خلق جهانی نو هستیم" تکرار شد.

... رهگذران با علاقه می‌ایستادند، شعارها را می‌خواندند، به متونی که از طریق بلندگوی دستی پخش می‌شد، با دقت گوش کرده و مصرانه از ما درخواست اعلامیه می‌کردند و در همین حین، ما به سئوالات آنها در مورد کارزار، اهدافش و زمان و مکان راهپیمایی و همچنین در مورد شرایط زندگی زنان در ایران و قوانین نا برابر موجود در ایران پاسخ می‌دادیم.

بروکسل و خنت - بلژیک (گزارش از فریبا)

در همراهی با سایر زنان کارزار تصمیم داشتیم، در روز ۳ مارس برنامه خود را در بلژیک برگزار نماییم. ولی برای اجرای آن

شعرخوانی و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی ایران به پایان رسید. حضور و حمایت ریتم مقاومت انگلستان، که به اجرای قطعات موسیقی با طبل می‌پردازند اهمیت قابل توجهی به راهپیمایی داده بود. و از جنبه بیرونی، عکس‌العمل مردم در طول مسیر راهپیمایی مناسب، هماهنگ با تظاهرات و همراه با کف زدن و تانید و تشویق بود.

فرانکفورت - آلمان (گزارش از فعالین کارزار)

امروز، سوم مارس، به همراه دیگر فعالین کارزار زنان در برخی کشورهای اروپا و آمریکای شمالی آکسیونی در پیشواز هشت‌مارس در فرانکفورت برگزار شد.

... جمعی بیش از ۳۰ نفر شامل فعالینی از آلمان، افغانستان، ایران، کردستان، ترکیه و نپال، از ساعت سه تا پنج بعد از ظهر در یکی از میدانی بزرگ شهر گرد هم آمدند. عکس‌هایی که از سرکوب زنان و هم‌منظور مبارزات زنان در ایران و افغانستان تهیه شده بود، زینت بخش آکسیون بود. شعارهایی نظیر "ما خواستار جهانی هستیم که در آن هیچ دختر خردسالی به حمله تجاوز نرود" و یا "ما خواستار جهانی هستیم که در آن هیچ زنی به جرم دوست داشتن و یا رابطه جنسی مجازات و سنگسار نشود"، در کنار شعار اصلی امسال کارزار، یعنی "نه به امپریالیسم، نه به ارتجاع، ما در حال خلق جهان دیگری هستیم" بر پلاکاردها نقش بسته بود.

یکی از فعالین چپ و زنان آلمان که در حمایت از کارزار در آکسیون شرکت کرده بود، اعلامیه کارزار و متون تبلیغی ما را به آلمانی قرائت کرد. با به صدا در آوردن طبلی که از دوستان ترک به عاریه گرفته بودیم و با همخوانی شعارهای منظوم به زبان آلمانی، کم کم توجه عابریں را به خود جلب کردیم و علیرغم سردی هوا، رهگذران جوخه جوخه برای اطلاع از اهداف آکسیون به طرف ما می‌آمدند. از جمله آنها یک گروه ۱۵ نفره از دانشجویان خبرنگاری از اسپانیا بود، که با یکی از فعالین کارزار هم مصاحبه کرده و گفتند آن را در سایت خود منتشر خواهند کرد. یک زن و شوهر شیک پوش آلمانی که اصلاً فکر نمی‌کردیم به این گونه مسائل علاقمند باشند نیز، بعد از شنیدن شعارها و صحبت‌ها، حمایت خود را از ما اعلام کردند.

نه فقط آلمانی‌ها، بلکه مردمی از کشورهای مختلف اروپایی، از ایران و افغانستان، و از شرق آسیا به محض دیدن ما و شنیدن سر و صدای ما به طرف ما می‌آمدند، اعلامیه‌ها را می‌گرفتند و از اهداف ما سوال می‌کردند و

کژال عزیز از فعالین جنبش زنان عراق، به بحث در مورد وضعیت سخت زنان عراقی، پس از حمله آمریکا به این کشور، پرداخت و همبستگی خود را با کارزار زنان اعلام کرد. سپس بهزاد ۱۴ ساله، شعر رپی را که خود برای حمایت از کارزار سروده بود، اجرا نمود و در انتهای برنامه نیز، فیلم بسیار قوی و تأثیر گذار "زن در تاریخ صد ساله ایران" کاری از شهروز ارشدی به نمایش درآمد.

لندن - انگلستان (ترکیبی از چند گزارش)

به دنبال فراخوان کارزار، فعالین لندن بر آن شدند که روز سه مارس را به گونه‌ای فراموش نشدنی برگزار کنند. تصمیم بر آن شد که به همراه سایر نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی که در عین حال بر علیه امپریالیست‌ها نیز موضع گیری دارند برای انجام تظاهراتی تماس گرفته شود.

سال‌ها بود که در لندن تظاهراتی از نیروهای اپوزیسیون سازماندهی نشده بود و چنین کاری مستلزم فعالیت بسیار و تبلیغات وسیع بود. از یک ماه قبل از تظاهرات از طریق رادیوها و روزنامه‌های ایرانی زبان، و اینترنت، تبلیغ شد. با گروه‌ها و جریانات مختلف سیاسی و زنان، چه ایرانی و چه غیر ایرانی تماس گرفته شد.

جلب حمایت از تظاهراتی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است و در عین حال ضد امپریالیست‌ها، در کشوری که ارتشش در خاورمیانه جولان می‌دهد و در نابودی عراق همدست بوش است، کار آسانی نبود، به ویژه اینکه بسیاری از نیروهای چپ و رادیکال انگلیس در بهترین حالت در مقابل نیروهای بنیادگرای اسلامی سکوت اختیار می‌کنند و اهمیت مبارزه با زن ستیزی این نیروها را در رسیدن به آینده‌ای روشن درک نمی‌کنند. ولی حرکت اعتراضی کارزار زنان توانست حمایت و همبستگی تعدادی از گروه‌ها و سازمانهای مترقی ترک، عراقی، انگلیسی را جلب کند. به علاوه ترکیب وسیعی از افراد و نیروهای سیاسی ایرانی حول شعار نه جمهوری اسلامی، نه امپریالیسم گرد هم آمدند.

علیرغم باران شدید تعداد بی سابقه‌ای در مقابل ساختمان بی بی سی سرویس جهانی، محل شروع تظاهرات گرد هم آمدند و پس از طی کردن خیابانهای اصلی و پر تجمع شهر، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در خیابان کنزینگتون توقف کردند.

این راهپیمایی بی نظیر که به مدت ۲ ساعت ادامه داشت با پیامهای شرکت کنندگان،

جنبش زنان به نشریه ای نیاز دارد تا نقاب از چهره دشمنان آزادی زن بردارد. دوستان دروغین آنرا افشا کند، و مرز روشنی با کلیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ترسیم نماید.

نشریه ای که تریبون کلیه زنانی باشد که با هیچ شکلی از ستم بر زنان سر سازش ندارند.



برای دریافت شماره های مختلف نشریه هشت مارس با یکی از آدرس های زیر تماس بگیرید:

zan_dem_iran@hotmail.com
zanane8mars@yahoo.com

Postfach 11 06 28
28 086 Bremen
Germany

پایتخت فنلاند شرکت داشتند، که متأسفانه گزارش آن را دریافت نکرده ایم. بعلاوه در روز هشت مارس سمیناری در مورد زنان در شهر تورکو برگزار شد، که فعالین کارزار نیز مشکلات و مبارزات زنان ایران را، در آن، به حاضرین معرفی کردند. مدیر برنامه نیز با اعلان اینکه زنان کارزار در لاهه مشغول راهپیمایی اند، سمینار را به همبستگی با این راهپیمایی فراخواند.

لاَه - هلند (گزارش از فعالین کارزار)

امروز، سوم مارس، سازمان زنان کرد (ترکیه) در پیشواز از راهپیمایی کارزار زنان در هشت مارس، یک راهپیمایی در لاهه هلند، سازمان داده بود. در این راهپیمایی که از جلوی سفارت ترکیه نیز گذشت و اعمال سرکوبگرانه دولت ترکیه را محکوم کرد، حدود صد نفر شرکت داشتند که اکثراً زنان کرد بودند. ما نیز با پخش اعلامیه های کارزار، راهپیمایان و رهگذران را به شرکت در راهپیمایی کارزار که روز هشت مارس در همین شهر برگزار می شد، دعوت کردیم.

خبر رسید که در **استکهلم (سوئد)** نیز مراسمی در همین روز توسط فعالین کارزار برگزار شده، که متأسفانه گزارشی از آن دریافت نکرده ایم.

کپنهاک - دانمارک (هواداران کارزار در دانمارک)

جو پلیسی حاکم بر کپنهاک، مانع برگزاری مراسم ۸ مارس روز جهانی زن گردید! پنجشنبه اول مارس ساعت ۷ صبح، پلیس دانمارک با یک برنامه از قبل طرح ریزی شده، خانه جوانان در کپنهاک را اشغال کرد... خانه جوانان، یک ساختمان تاریخی می باشد، "کلارا زتکین" در سال ۱۹۱۰ در این مکان سخنرانی کرده است.

روز شنبه [سوم مارس] پلیس کپنهاک با حمایت پلیس دیگر شهرهای دانمارک و پلیس سوئد، به مراکز سازمانهای چپ و مترقی که از جوانان مبارز حمایت می کنند، حمله کردند (اینتر ناسیونال فاروم، خانه مردم، جوانان سرخ و ...). این مراکز بمدت ۸ ساعت تحت اشغال و بازرسی پلیس قرار گرفتند. بدلیل وضعیت اضطراری و مراقبت دائمی پلیس، مکانی که قرار بود مراسم ۸ مارس روز جهانی زن در آن برگزار گردد (یکی از مراکز جوانان مبارز)، بسته شد و مراسم روز زن لغو شد.

در مقابل اتحادیه اروپا مجبور بودیم، روزهای کاری را در هفته انتخاب نماییم. بنابراین ما در روز ۵ مارس از ساعت ۹ تا ۱۲، اکسیون خود را در میدان "شومان" بروکسل، روبروی ساختمان اتحادیه اروپا برگزار کردیم. پلاکارد سرخ ما با شعار رادیکال کارزار برای بسیاری سؤال برانگیز بود که ما با توضیح اهداف و توزیع اطلاعیه های کارزار به چندین زبان، به آنها پاسخ دادیم.

برنامه بعد از ظهر ما با همان سبک، ولی در شهر "خنت" از ساعت ۱۳ تا ۱۶ برگزار گردید و با توجه به وضعیت بهتر هوا استقبال مردم خصوصاً دانشجویان بیشتر بود. به طوری که چند نفر از دانشجویان با خواندن بیانیه و صحبت با ما مشتاقانه اعلام کردند که در مراسم ۸ مارس در دن هاخ شرکت خواهند کرد. از جالبترین لحظات برنامه استقبال رانندگان مرد و زن ترام و اتوبوس شهری در گرفتن بیانیه و اطلاعات پیرامون برنامه مرکزی در دن هاخ بود.

بعلاوه فعالین بلژیک در روز ۱۲ مارس نیز در جلسه دیگری که توسط حزب کار بلژیک سازماندهی شده بود، از طریق یک سخنرانی، پیام کارزار زنان را بگوش بسیاری رساندند.

تورکو - فنلاند (گزارش از فعالین کارزار و هشت مارس)

در همراهی با سایر فعالین کارزار زنان در اروپا و آمریکای شمالی، می خواستیم فعالیتی در روز سه مارس سازمان دهیم، ولی از آنجا که امکان داشتن سالن را، فقط در روز ۴ مارس داشتیم، برنامه خود را در روز چهارم برگزار کردیم.

به دعوت فعالین کارزار و هشت مارس، حدود بیست تن از ایرانیان مقیم تورکو فنلاند، در مرکز فرهنگی این شهر جمع شدند. محور این گردهمایی، فراخوان امسال کارزار زنان و راهپیمایی لاهه بود.

نظرات متفاوتی بود و بحث داغی در گرفت که طی آن زنان شرکت کننده از ستمهایی که متحمل شده بودند، صحبت کردند، بحث به خشونت علیه زنان کشید و نقش حکومت و نظام در تداوم این خشونت مورد بحث قرار گرفت. هر چند به دلیل مذبذبه مالی و شرایط سخت زنان پناهنده، امکان سفر به لاهه برای هیچکدام از شرکت کنندگان در این جلسه نبود، ولی برگزاری آن قدم مهمی محسوب می شد، در جهت ارتقا آگاهی زنان و ساختن اتحادی زنانه در حرکت مان، برای رهائی زنان.

(فعالین کارزار در تجمع دیگری نیز در سوم مارس در وانتا، شهری در نزدیکی هلسینکی،

زنان و آلترناتیوی به پروژه امپریالیستی

شهرزاد مجاب

عفو بین المللی می خوانیم که ساختار قبیله ای عراق و افغانستان بازمی گردد. قدرت های امپریالیستی و نیروهای بنیادگرای مذهبی اتحاد "نامقدسی" ایجاد کرده اند.

اجازه دهید رک باشم و بگویم که جنبش های زنان و فعالین فمینیست یا از درک عواقب این اتحاد قاصر بوده اند و یا عاقدانه به آن بی اعتنائی کرده اند. این مسئله مانع بزرگی در ایجاد همبستگی بین جنبش های زنان بوده است. بدین معنی است که زنان بومی کانادا و زنان افغانستان، بوروندی، کلمبیا، هائیتی، ایران، عراق، نپال، فلسطین، پرو و یا سودان در نبرد با نیروهای ملی و جهانی سرکوب و استثمار تنها مانده اند.

به ندرت می بینیم که فعالین فمینیست کانادا، جسورانه و بدون دو دلی، در عین حال با امپریالیست ها و نیروهای محافظه کار مذهبی به مقابله برخیزند. آیا جدل های سال گذشته را، هنگامی که علیه حمله لبنان به اسرائیل سازماندهی می کردیم، به یاد می آورید؟ یادتان هست چطور برخی زنان، تحت این عنوان که حزب الله یک نیروی مقاومت ضد امپریالیستی است، از این نیروی محافظه کار مذهبی، دفاع می کردند؟ برخی کار را به جایی رساندند که تصاویر آیت الله خمینی و صدر، دو سمبل ستم بر زن را حمل می کردند. و کم نبودند آکادمیسین های فمینیست ضد جنگی که با حمایتشان نیروهای پدرسالار مذهبی را در ردای "نسبیت گرایی فرهنگی" پوشاندند و به "جنبه بومی" پدرسالاری امتیاز دادند. سوال من این است که چرا فمینیست ها، بخصوص فمینیست های مترقی، ضد جنگ و ضد جهانی سازی در سال های گذشته از بلند کردن پرچم چند وجهی مقاومت قاصر بوده اند. چه چیزی باعث شده تا نتوانیم تکرر تضادهای سرمایه داری پدرسالار را ببینیم؟ پیشنهاد می کنم پاسخ را در نکات زیر بجوئیم:

۱. چرخش تئوریک فمینیسم در سه دهه اخیر تاثیر مخربی بر مبارزات جهانی زنان گذاشته است. تاکید مبالغه آمیز بر "هویت"، "صدا"، "نمایندگی"، "موقعیت"، و "تجربه"، پدرسالاری را به مسئله مذهب و فرهنگ تنزل داده است. یعنی پدرسالاری به مثابه نهادی برای تحت سلطه آوردن زن، از روابط سرمایه دارانه استثمار، سلطه امپریالیستی و صعود ناسیونالیسم و بنیادگرایی جدا شده است. این نگاه کوتاه بین به پدرسالاری که در نسبیت

تحمل خشونت ناشی از جنگ در مرزهای سودان، سومالی، سریلانکا، کنگو و یا کلمبیا زندگی می کنند، به میلیون ها زنی که در سراسر جهان در بازار فحشا قاچاق می شوند، به همه زنانی که مجبورند به بازار کار مهاجر بپیوندند و به بردگی مدرن تن دهند.

این بخشی از سیاهه جنایاتی است که علیه زنان در سراسر جهان توسط ساختارهای پدر سالار قدرت انجام می گیرد. این پدرسالاری جزئی لاینفک از منطق سرمایه داری ستم و استثمار است.

ما باید مفهوم جنایاتی را که در قرن بیست و یکم علیه زنان انجام می گیرد، درک کنیم. جنایاتی که بنا به برخی گزارشات در تاریخ مدرن، در تاریخ طولانی پدرسالار و نژادزده استثمار و امپریالیسم، بی سابقه اند. این تاریخ شرایطی را بوجود آورده که ما امروز با پدیده «مازاد بشر»^۲ روبرویم. شرایطی که در آن زندگی کودکان و زنان و مردان، اضافه و بی مصرف تلقی شده و در نتیجه می شود، معامله شان کرد، یا به بردگی اشان گرفت، جانشان را گرفت، مورد تجاوزش قرارشان داد، و فقیر و گرسنه نگاهشان داشت. همین تاریخ است که شرایط انباشت پدرسالارنه سرمایه دارانه ثروت از طریق خلع ید را ممکن کرده. زنان و مردان کارگر، دهقان و مهاجرین شهری از هوای تازه، آب و زمین، از غذای سالم و قابل دسترسی، مدرسه، پناهگاه، لباس، و از حق دستمزد برابر و شرایط عادلانه کار محروم شده اند.

یکی از سودآورترین منابع ثروت برای قدرت های امپریالیستی، جنگ است. در حال حاضر بیشتر جمعیت جهان، چه در آسیا، آفریقا و با خاورمیانه، در شرایط جنگی زندگی می کنند و یا در "موقعیت جنگی" قرار دارند. مثلا در ایران، اروپا و آمریکای شمالی، دولت ها به بهانه خطر "دشمن خارجی" یا "جنگ با ترور"، به فرهنگ ترس دامن می زنند و حقوق شهروندان را محدود کنند. نظامی گیری روزافزون امپریالیسم، باعث جولان نیروهای پدرسالار ناسیولیست و بنیادگرای مذهبی در سطح جهانی شده است. بی جهت نیست که ما شاهد افزایش خشونت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم که توسط بازیگران دولتی و غیر دولتی علیه زنان اعمال می شود. و نیز در گزارشات دیده بان حقوق بشر و

آنچه می خوانید متن سخنان شهرزاد مجاب در جلسه سوم مارس در تورنتو می باشد که به زبان انگلیسی ارائه شد و توسط هشت مارس به فارسی برگردانده شده است. - هشت مارس

روز جهانی زن مبارک

من در این روز درود می فرستم

♦ به ۵۰۰ زن بومی که در عرض ۲۰ سال گذشته در کانادا ناپدید شده اند.

♦ به عبیر، دختر ۱۴ ساله عراقی که مورد تجاوز ۴ سرباز آمریکایی قرار گرفت، به حامل، خواهر ۵ ساله عبیر و پدر و مادرشان که آنها نیز به قتل رسیدند.

♦ به زنان افغان که "هر لحظه ممکن است توسط افراد مسلح، ربوده شده و مورد تجاوز قرار گیرند. زنانی که، برای حل دعاها و ادای قرض ها معامله می شوند، مجبورند به ازدواج اجباری تن دهند، و همواره با تبعیض از طرف تمام بخش های جامعه و از جمله ماموران دولت قرار دارند" (عفو بین الملل ۲۰۰۵).

♦ به بیش از ۳۰۰۰ زن زندانی سیاسی، که در سال های ۱۹۸۰ توسط رژیم اسلامی اعدام شدند.

♦ به بیش از ۵۰۰ زن اهل سیوداد خوارز و شهر کیهواها^۱ در مکزیک که در ۱۰ سال گذشته ربوده شده و به طرز فجیعی به قتل رسیده اند.

♦ به زنان فلسطینی که توسط پدران، شوهران، برادران خود و توسط نیروهای اشغال گر اسرائیلی مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفته و زندانی شده اند.

♦ به زنان زامبیا که در آنجا، هر هفته ۵ زن توسط همسر یا یکی از اعضاء خانواده اش به قتل می رسد (یونی سیگر^۲ ۲۰۰۳).

♦ به زنان آفریقای جنوبی، که در آنجا هر روز به ۱۴۷ زن تجاوز می شود.

♦ به بیش از ۲۰ میلیون زن، که در سراسر جهان به ایدز یا و بروس ایدز مبتلایند و اکثریتشان در جنوب آفریقا زندگی می کنند.

♦ به هر زن از هشت زن، که در کشورهای صنعتی شده به سرطان پستان مبتلا خواهند شد، این عدد در سال ۱۹۸۶ یک زن از هر ۲۶ بود و این یک افزایش ۲۶ درصدی است. (یونی سیگر، ۴۶:۲۰۰۳)

♦ به همه زنان فقیر و بی خانمان کانادا، به زنان پناهنده جنگی که در شرایط غیرقابل

آلترناتیو این پروژه امپریالیستی، انقلابی است که رژیم تئوکراتیک را سرنگون کرده و بجایش رژیم مستقل، دموکراتیک و سکولار بنشاند. شاید در مبارزات زنان کشور دیگری در آسیا، درسهایی برای آموختن بیابیم. در نپال در عرض یک دهه زنان انقلابی توانستند تنها تئوکراسی هندو را کنار زنند و امروز، به سمت پائین کشیدن سلطنت، حرکت می کنند. این دستاورد حاصل مقاومت در مقابل نیروهای امپریالیستی آمریکا، هند، چین از یک طرف و نیروهای پدرسالار فنودال، محافظه کار، مذهبی و کاستی، از طرف دیگر بوده است. آنها به سنت رزا لوکزامبورگ، به رفرمیسم "نه" گفتند و راه انقلاب را برگزیدند. زنان ایرانی نیز می گویند نه به بنیادگرایی، نه به امپریالیسم. این زنان، رژیم اسلامی را از قدرت بیرون رانده و با یک رژیم دموکراتیک نوین جایگزین خواهند کرد.

پانویس ها

- 1 Ciudad Juárez and the city of Chihuahua
- 2 Joni Seager
- 3 New Left Review 26، (مایک دیویس) 2004
- 4 David Harvey, New Imperialism, 2003

داری اصرار می ورزند. کارزار، علیه قوانین ضدزن اسلامی که توسط زنان ایرانی خارج از کشور سازمان یافته، چنین عملی است. در این کارزار ما می گوئیم که زنان ایرانی ۲۸ سال شجاعانه در خیابان ها، مدارس، کارخانه ها و دانشگاه ها در مقابل رژیم زن ستیز، مقاومت کرده اند. نبردشان، الهام بخش تخیلشان نیز بوده است و این مبارزه در سینما، شعر، رمان، کتب مصور و کمدی نیز عرض اندام می کند. این جان سختی به "ناجی" نیازی ندارد! زنان و مردان ایرانی قادرند، رژیم اسلامی را از تختش به زیر آورند.

حرف کارزار این است که در مبارزه قدرتی که امروز در سطح جهان جریان دارد ما باید نسبت به مقاصد و نقشه های امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه هوشیار باشیم. هوجی گری های رسانه ای مبنی بر توانائی رژیم اسلامی در ساختن بمب اتم و یا حرکت نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، هرچند باید مطالعه شده و جدی گرفته شود، ولی با این وجود فعالین مترقی و ضد جنگ فمینیست، باید آن را به عنوان مجادله بین دو نیروی ارتجاعی ببینند. باید روشن باشیم که دعوی بین احمدی نژاد و بوش، تضاد بین "دیکتاتوری" و "دمکراسی" نیست. امپریالیسم و بنیادگرایی، اغلب در سرکوب و استثمار زنان، همکاری و هم دلی دارند. درک این مسئله است که می توانیم یک استراتژی ضد جنگ پیش بگذاریم که با صدای بلند و به وضوح اعلام کند "نه به امپریالیسم!" و "نه به بنیادگرایی!"

به علاوه، کارزار ما را تشویق می کند که از این نیز فراتر رفته و به آلترناتیو فکر کنیم. همه می دانیم که ایالات متحده در تلاش است که همدستانی از میان جنبش های دانشجویی، کارگری و زنان ایران چه در داخل و چه در خارج کشور استخدام کند و یا بخرد. این یا مستقیماً از طریق تامین بودجه برای فعالین این جنبش و یا تامین بودجه برای فعالیت حقوق بشری و سایت های اینترنتی ضد دولتی است. در عین حال، مقامات آمریکائی در عراق با همه گروه های اپوزیسیون ایران تماس گرفته اند و پیشنهاد کمک مالی و نظامی برای پیشبرد عملیات نظامی، علیه رژیم اسلامی را کرده اند. هدف تغییر رژیم است، بدون اینکه جایی برای تغییرات انقلابی در ایران باز بماند. به عبارت دیگر، هدف دولت بوش این است که از انقلاب در ایران ممانعت کند و در عین حال، یا رژیم اسلامی را با یک دولت موافق آمریکا جایگزین کند و یا مثل لیبی، رژیم را خنثی کند تا نگذارد ایران به عنوان یک قدرت منطقه که قادر به مقابله با آمریکا و اسرائیل است، سر بلند کند.

گرانی فرهنگی ریشه دارد، مدافع دادگاه های شریعت در اونتاریو بود و از برنامه استعماری "آزادی زنان در افغانستان و عراق" حمایت می کرد.

۲. مفاهیم و نتایج سیاسی این چرخش تئوریک از این هم نگران کننده تر است. فمینیست که می تواند یک نیروی اجتماعی قدرتمند، برای تغییر، باشد به گرایشات مجزا، تکه تکه و مورد استفاده تنزل داده شده. نتیجه این است که از یک طرف فمینیسم های استعماری و امپریالیستی سر بلند می کنند و از طرف دیگر فمینیسم های بومی گرا، که پدرسالاری را تحت عنوان فرهنگ، جاودانی می کنند.

۳. سه دهه مورد استفاده قرار گرفتن و تکه تکه شدن جنبش زنان توسط ابزارهای سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و شبکه وسیعی از ان جی او ها، مترادف شده با گردش به راست جنبش فمینیستی. این نهادهای سرمایه دارانه با تبدیل مبارزه زنان به مفاهیم غیرسیاسی و لیبرالی نظیر "gender mainstreaming" (غالب سازی جنسیتی)، و "توانمند سازی زنان"، پدرسالاری را پشتیبانی و حمایت مالی و ترویج کردند. در این توطئه فمینیست امپریالیستی، زنان تربیت شدند تا رهبران ان جی او ها شوند، در ساختارهای دولتی محافظه کار و مدافع غرب شرکت کنند، درگیر برنامه های تربیتی آرام کننده و منحرف کننده برای "دمکراسی" سرمایه داری شوند و به ارتش سازندگان "جامعه مدنی" بپیوندند. در این نسخه از مبارزات زنان، روابط قدرت سرمایه داری و نهادهای دولت و پدرسالاری، دست نخورده باقی می مانند.

۴. شرایط بعد از ۱۱ سپتامبر، این اوضاع در هم ریخته فمینیستی را پیچیده تر کرد. در غرب ما با تشدید محدودیت حقوق فردی و آزادی های مدنی، توسط دولت و تحت نام "امنیت" و "جنگ با ترور" روبروئیم. طبقه بندی نژادی مورد حمایت دولت، در حال افزایش است. اسلام ستیزی و نژادپرستی ضد عرب و ضد مسلمان، رو به رشد است. اغلب پاسخ های فمینیستی به این محیط ترس و ترور، در بهترین حال مبهم است.

با این وجود، باید متوجه بود که چرخش تئوریک و سیاسی در فمینیسم از طرف بسیاری از آکادمیک ها و فعالین در سراسر جهان نیز مورد انتقاد شدید واقع شده است. زنان دارند استراتژی های نوینی طرح می کنند، تحلیل های نوینی ارائه می دهند و اتحادهای نوینی در سراسر جهان بوجود می آورند. آنان به بازگرداندن برخوردارهای فمینیستی رادیکال برای ریشه کن کردن پدرسالاری-سرمایه

برای «هشت مارس»
بنویسید!

نشریه زنان «هشت
مارس» تریبونی است
آزاد برای همه زنانی که با
فرهنگ و نظام پدرسالاری
سر سازش ندارند.

همکاری شما «هشت
مارس» را پر بار تر
خواهد کرد.

هشت مارس ۲۰۰۷ و پیشروی های گرایش انقلابی جنبش زنان

هشت مارس امسال، با حرکت های جسورانه زنان و جوانان برای برگزاری روز جهانی زن در ایران رقم خورد. گزارشات مهمی رسید، مبنی بر تجمعاتی در گوشه و کنار ایران، با شعارهای برابری خواهانه و در جهت جهانی به دور از ستم و استثمار. این تحول نشان از تسریع صف آرائی ها و قطب بندی های درون جامعه دارد، نشان از این که بر خلاف ادعای برخی از فعالین جنبش، که مسلمان بودن اکثریت جمعیت را، توجیهی برای تمکین خود به جمهوری اسلامی می دانند، گرایش انقلابی، موجود و رو به رشد است. این صدایی است که باید تقویت شود. چرا که تنها با این جهت گیری و با این صداست که می توانیم، انرژی زنان را برای رسیدن به خواسته های واقعیشان رها کنیم. آنچه در زیر می خوانید، گزارشاتی است که از منابع مختلف، از برگزاری مراسم هشت مارس گرد آورده ایم. منابع در زیر گزارشات ذکر شده و برخی از گزارشات به منظور چاپ ویرایش شده اند.

به مناسبت ۸ مارس، مراسمی با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر که همگی زن بودند، در سالنی برگزار شد.

برای فعالیت های ۸ مارس از قبل بین زنانی که دارای گزارشات متفاوت بوده و اختلاف نظرانی بر سر مسائل جامعه و بویژه ارزیابی از جنبش زنان و موقعیت کنونی این جنبش، داشتند، چندین جلسه بحث و جدل برگزار شده بود. سر تیتر مهمترین جدل ها از این قرار بود:

۱ - جنبش زنان باید علیه حکومت و سیاست های آن موضع دقیق و روشن داشته باشد و اعلام کند که منشاء ستم بر زن در کشور ما، این حکومت زن ستیز است و در این رابطه خواسته های اساسی زنان را نمایندگی کند، و دیگر اینکه جنبش زنان، باید علیه طرح های امپریالیستی و دخالتگری های آنان، موضع داشته باشد و مرز تمایز خود را بطور شفاف جلو گذارد.

۲ - ارزیابی و تحلیل از کمپین ۱ میلیون امضاء و چگونگی برخورد به آن. نتیجه این جدل ها رسیدن به حدی از اتحاد بود که برگزاری فعالیتهایی را برای ۸ مارس امکان پذیر می ساخت.

در ابتدا یک بروشور کوچک تبلیغاتی تهیه شد. از چند روز مانده به ۸ مارس این بروشور به تعداد زیاد تکثیر و در میان مردم، دبیرستانها و اماکن عمومی پخش شد. دو روز مانده به ۸ مارس شور و شوق و آفری میان دست اندرکاران این مراسم به چشم می خورد. هر کسی گوشه ای از کار را در دست گرفته بود. دختران جوان مسئول تهیه کارت تبریک به مناسبت روز زن و اهدای آن به مهمانان شدند. برخی دنبال خرید شیرینی و گل و تدارکاتی از این قبیل بودند. برخی مسئول تزئین سالن شدند. عده ای به دنبال کرایه صندلی رفتند. برخی از نظرامنیتی، مسئول حفاظت از مراسم و دست زدن به ابتکاراتی شدند تا در چشم

مراسم ۸ مارس در یکی از شهرهای ایران

برگرفته از سایت هشت مارس

مامورین امنیتی، این مراسم به عنوان یک مهمانی بزرگ خانوادگی قلمداد شود. کمیته برگزار کننده، تا نیمه های شب قبل از مراسم، درگیر بحث و جدل بروی شعارها، تقسیم کارهای مختلف، انتخاب مقالات و شعرهایی بود که می بایست ارائه داده شود. با اینکه کماکان جدل های نظری ادامه داشت و دغدغه های امنیتی هم به ویژه پس از دستگیری عده ای از فعالین زن، افزایش یافته بود، اما روحیه مبارزاتی و فضائی پر شور حاکم بود. همگی از اینکه مشغول یک فعالیت متحد و برگزاری مراسمی مستقل هستند، به وجد آمده بودند. مراسم با کمی تاخیر شروع شد. تدارک برای شرکت ۷۰ نفر، دیده شده بود. در ابتدا تعدادی حدود ۴۰ نفر آمدند که کمی نگران کننده بود. اما زنگ در سالن مدام به صدا در می آمد و زنان به صورت تک تک یا گروهی، همراه با دسته های گل و خنده و شادی وارد می شدند. در اواسط برنامه جا برای نشستن نبود و عده ای سر پا ایستادند. مشخص بود که اگر در یک جامعه آزاد قرار داشتیم و یا امکان دادن یک فراخوان علنی برای دعوت به ۸ مارس را داشتیم، هزاران هزار زن، مشتاقانه در جشن جهانی خود شرکت می کردند. تعداد دختران جوان جلب توجه زیادی می کرد. در ابتدا تاریخچه مختصری از ۸ مارس قرائت شد. سپس توسط یک زن جوان، شعری در وصف زندگی یک زن افغانی و سرنوشت او خوانده شد. خواننده پیش از خواندن شعر، اعلام کرد که ۸ مارس یک روز جهانی است و ملیت نمی شناسد. در ایران نزدیکترین دوست و متحد ما زنان افغانی هستند که به فجیع ترین شکل، تحت ستم و استثمار بسر می برند. برنامه بعدی بحثی کوتاه بود که در آن

سخنران به بررسی زبان مرد مدار و تاثیر آن بروی حفاظت از نظام مردسالار پرداخت. این بحث جلب توجه بسیاری کرد و قرار بر این شد که در

فرصتی دیگر این مبحث ادامه یابد. سپس یک پانتمیم به صورت تک نفره اجرا شد. در این تئاتر، بازیگر تاریخ تکامل بشر از دوره کمون های اولیه تا سرمایه داری را به نمایش در آورد و اینکه در هر یک از این دوره ها زن در چه موقعیتی بسر برده است. سپس موقعیت زنان ایران از زمان قاجاریه تا کنون نمایش داده شد. نقطه اوج این تئاتر، سالهای ۵۸ - ۵۷ و اکنون بود. بازیگر نشان داد، که زنان نقش فعالی در انقلاب داشتند و چگونه جمهوری اسلامی انقلاب مردم را دزدید و اولین حمله اش به انقلاب را از حمله به زنان آغاز کرد. او کشمکش های میان زنان و نیروهای ارتجاعی تازه به قدرت رسیده را بر سر تحمیل حجاب اجباری، ماهرانه اجرا کرد. سپس خط سیر این جدال را تا به امروز ادامه داد و نشان داد که این موج را سر باز ایستادن نیست و این مبارزه تا سرنگونی حکومت و پیروزی کامل زنان، ادامه خواهد داشت. این برنامه شور زیادی ایجاد کرد و محرک بحثی خلاق بر سر موقعیت زنان و خواسته های آنان گشت.

برنامه دیگر، ارائه سخنرانی ای توسط یک زن شاغل در یک رشته "مردانه" و حکایت رنج های این زن بود. زنی از خانواده ای فقیر، که در جوانی و در اوج عشق به همسرش، با خیانت و فرار او با زن دیگری، روبرو شده و فشارهای خارج از وصفی به لحاظ عاطفی و اجتماعی بر وی وارد آمده بود. او برایمان گفت که چطور پس از ۴ سال افسردگی و فقر و دست تنهایی، بالاخره تصمیم گرفته تا هویت خود را به عنوان یک زن مستقل، باز یابد. او گفت که روزی ۱۶ ساعت کارگری می کرده و فشار خانواده را برای زندگی با آنان و ازدواج قراردادی نپذیرفته، تا جایی که خانواده

هشت مارس در دانشگاه های ایران



روز جهانی زن، امسال در بسیاری از دانشگاه های ایران نیز برگزار شد. تصاویر بالا صحنه هایی از یکی از این تجمعات است. در این گردهمایی ها، شعارهایی نظیر «آزادی، برابری»، «رهایی زن، رهایی جامعه است»، «لغو پوشش اجباری زنان» و «جنبش زنان، متحد جنبش کارگری» و «ما مخالف حمله نظامی، یا دخالت خارجی در تعیین سرنوشت مردم ایران هستیم» بود.

بزرگداشت ۸ مارس ۲۰۰۷، در طبیعت

در این برنامه تاریخچه روز جهانی زن و بیانیه هائی قرائت شد. یکی از بیانیه ها، مطالبات فوری زنان را چنین مطرح کرده بود: لغو سنگسار - لغو قانون قصاص - لغو حجاب اجباری - امکانات کاملا برابر با مردان در همه زمینه ها - مبارزه با هرگونه تفکر مردسالارانه - لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های ویژه زنان. در این بیانیه آمده بود که این مطالبات را فقط با قدرت خودمان و با مبارزات خودمان می توانیم، به دست آوریم و دوستان ما در این مبارزه، زنان ستمدیده و همه انسانهای معترض به حکومت های زن ستیز در جهان هستند.

بحث آزاد این برنامه به بررسی علل لغو میتینگ خیابانی روز ۷ مارس، اختصاص یافت.

درگذشت تاسف بار پوران بازرگان، زن مبارزی که همواره در کنار ستمدیدگان قرار داشت و در آرزوی جهانی عاری از ستم و استثمار بود، به اطلاع حضار رسانده شد و شمه ای از زندگی پوران عزیز قرائت شد. این برنامه با خواندن شعر و سرود به پایان رسید.

اش او را برای همیشه طرد کرده اند، ولی با این حال تسلیم نشده استو به اشتغال در حرفه ای که در این جامعه مخصوص مردان است پرداخته و در سن ۳۵ سالگی حتی، مورد آزار و اذیت پسران ۱۵، ۱۶ ساله قرار می گرفته است. او گفت که امروز آشنائی اش با کسانی که دارند، برای باز یافتن حیثیت انسانی زنان، مبارزه می کنند به او زندگی نوینی بخشیده است و قصد دارد تجارب خود را در راه رهایی سایر زنان ستمدیده بکار گیرد. این سخنرانی موجب شد که زنان دیگری از میان شرکت کنندگان بلند شده و تجارب خود را بازگو کنند.

برنامه دیگر، اجرای موسیقی زنده و رقص توسط گروهی از دختران جوان بود. در میان برنامه ها مجری، شعارهایی را در ارتباط با مطالبات زنان و افشای قوانین ضد زن قرائت می کرد. همچنین شعرهایی خوانده می شد. برنامه دیگر، ارائه سخنرانی ای توسط یک معلم بود که به افشای نظام آموزشی و تبعیضات میان معلمین مرد و زن، پرداخت و در انتها همه را به حمایت و همبستگی با اعتصاب معلمین، فرا خواند. هنگام وقت تنفس، زنان دو به دو یا گروهی به بحث و تبادل نظر بر سر جنبش زنان و گرایشات مختلف درون این جنبش مشغول بودند و تلفن و آدرس و ای میل رد و بدل می کردند. برنامه آخر، بحث آزاد بود. قرار بود موضوع بحث آزاد، این باشد که چرا برخی زنان، خود تبدیل به عاملین ستم بر خود می شوند؟ و چرا باید از ایده ها و تفکرات کهنه که متعلق به آنان نیست و راه رهایی آنان را سد می کند، گسست کنند؟ اما بحث عملا بیشتر، بر روی راهکارهای واقعی رهایی زنان متمرکز شد و اینکه این رهایی، جز به دست خودشان، به طریق دیگری ممکن نخواهد بود. تعداد شرکت کنندگان در این بحث زیاد بودند. بطوری که به دلیل ضیق وقت، برگزارکنندگان ناچار به کوتاه کردن آن شدند. موضوع خنده داری که در انتهای این بحث پیش آمد، این بود که زنی مسن از میان جمع بلند شد و به حضار گفت "که با این حرفها همین امشب شوهراتون شما را طلاق خواهند داد!، بنابراین تا دیر نشده به خانه بروید و در این هوای سرد یک چای داغ برای شوهرتون تهیه کنید!". این حرف موجب خنده همگان شد و به این خانم مسن گفتند، دیدگاه شما دقیقا موضوع بحث آزاد امشب بود.

در انتهای برنامه زمان و مکان برخی میتینگ ها و برنامه های دیگر ۸ مارس به اطلاع حضار رسید و مراسم در محیطی پر نشاط و با رقص و پایکوبی به پایان رسید. برخی از شعارهایی که بر روی در و دیوار کوبیده شده بود، از این قرار بود:

- لغو اعدام و شکنجه و سنگسار.

- برابری زنان و مردان در برخورداری از تمام حقوق اجتماعی و مدنی (صرف نظر از قومیت، مذهب، عقیده و طبقه).

- زنان در سراسر جهان علیه نظام مردسالار متحد و یکپارچه اند.

- ما نیمی از جهانیم، اما حقی نداریم.

- قوانین ضد زن، بی عذر و بهانه، ملغی باید گردد.

- حجاب اجباری، بی چون و چرا، ملغی باید گردد.

- میزان آزادی هر جامعه، با میزان آزادی زنان رقم خورده است.

- تا زمانی که در دنیا یک زن تحت ستم باشد، هیچکس آزاد نیست.

- عراق و افغانستان، بهشت ارتجاع، جهنم زنان است.

- توقف دخالت آمریکا، علیه مردم ما، خواسته زنان است.

- جنبش آزادی زنان، حلقه ای از زنجیره ی جنبش های کارگری و دانشجویی و سایر محرومان است.

- جهان دیگری ممکن است.

- به سوی آینده ای که شاخص آن رهایی و برابری واقعی زنان است.

گزارشی از برگزاری مراسم هشت مارس ۲۰۰۷ در سنندج

برگرفته از سایت هشت مارس

با توجه به خطر حمله نیروهای انتظامی، تجمع کنندگان به سرعت محل را ترک کردند. دقایقی پس از ترک محل، دهها نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها، به محل هجوم آوردند.

برگزاری مراسم در این روز با توجه به جو وحشت و ارباب و دستگیری چندین نفر از فعالین این شهر و شکجه و آزار و ممنوع الملاقات بودن آنها در ماه های اخیر، یکبار دیگر تقی به صورت مدعیان دروغین عدالت و برابری دولت و حکومت اسلامی بود. این عوامفریبان که در حرف بی وقفه از عدالت و رسیدگی به وضعیت محرومین و بهبود وضعیت استان های محروم، سخن می گویند، در عمل کارشان اختصاص بودجه های کلان میلیاردی برای اشاعه خرافه مذهب و حواله دادن بهبود وضعیت، به ظهور امام زمان و سرکوب زنان است و بس... مدام از دستاوردهای دروغین در زمینه انرژی هسته ای حرف می زنند، اما زنان در جای جای کردستان همه روزه قربانی فرهنگ مردسالاری می شوند که حاکمین با چنگ و دندان از آن دفاع می کنند. حتی آنجا که زنان به دفاع از خود، متجاوزین را به سزای اعمالشان می رسانند، سال های عمر خود را، در زندان سپری می کنند و حتی پس از آزادی از زندان با پرداخت دیه و جزای میلیونی بازهم باید از بیم انتقام کس و کار متجاوزین، آرامش نداشته باشند... یکی از نمونه های اخیر آن در مهاباد، نازنین فا تحی بود. او هنگام دفاع از خود، زمانی که دو پسر، می خواستند به او و برادرزاده اش تجاوز کنند، با چاقو یکی از آن ها را کشت و محکوم به اعدام شد و پس از چندین سال زندانی بودن و با فعالیت های گسترده، بالاخره تبرئه شد و با پرداخت دیه شصت میلیونی، آزاد شد. نمونه دیگر آن، مادری با پنج بچه هست، که سالهاست، به خاطر قتل، در زندان منتظر اجرای حکم اعدام است. او نیز در مقابل مردی که می خواست به وی تجاوز کند، از خود دفاع کرده بود.

حتی در شهرهای بزرگی مانند سنندج، زنان از حقوق اولیه، مانند انتخاب همسر و یا پوشش، محرومند....

در این روز زنان پیشرو این خطه، بار دیگر پیام دادند، که تا لغو تبعیضات و قوانین نا برابر و محو مردسالاری از پای نخواهند نشست.

دو روز قبل از هشت مارس، مجوز برگزاری مراسم در مرکز دانش آموزی ای که به آن سالن خمینی نیز می گویند، در ساعت سه بعد از ظهر روز پنجشنبه صادر شد. از چند روز قبل پوسترهایی با عنوان "مراسم برگزاری روز جهانی زنان" و "لغو نابرابری و تبعیض جنسیتی"، در چندین محل پر رفت و آمد چسبانده شد و دست به دست شد.

از یک ربع به ساعت سه، جمعیتی حدود صد نفر که عمدتاً دختران جوان بودند، در محلی واقع در سه راه ادب، تجمع کردند. تعداد قابل توجهی نیروی انتظامی باتوم به دست و ماموران لباس شخصی نیز به چشم می خوردند. حدود ده دقیقه به سه، نیروی انتظامی اعلام کرد که مجوزی صادر نشده و بنابراین از مردم مقابل در ورودی مجتمع خواست، که محل را ترک کنند. چند ماشین الگانس نیروی انتظامی نیز در محل حاضر بودند. نیروی انتظامی دو تن از برگزار کنندگان را که نسبت به لغو برنامه اعتراض داشتند، سوار ماشین خود کرده و به محل نامعلوم منتقل کردند. زمانی که معلوم شد، اجازه برگزاری برنامه داده نمی شود، فعالین تصمیم گرفتند که برنامه را در فضای آزاد به پیش ببرند، اما با توجه به جو پلیسی و احتمال دستگیری گسترده، این کار مقهور نبود. پس تصمیم گرفته شد، که همه به محل برگزاری یک نمایشگاه یا بازار محلی واقع در پارک دیدگاه، در همان نزدیکی بروند، و تا سر رسیدن نیروهای انتظامی بخشی از برنامه را، که عبارت بود از خواندن قطعه نامه و باز کردن پرچم و به دست گرفتن پلاکارد، اجرا کنند.

پیشبرد همه ساله مراسم در سنندج به شکل های مختلف، نیروی دشمن را نیز با تجربه کرده. به این شکل که با استفاده از خبر چینیان لباس شخصی در نقاط مختلف و تعقیب شرکت کنندگان و استفاده از بی سیم و تلفن همراه، نیروهای مزدور را به محل تجمعات گسیل می کنند و با دستگیری و ضرب و شتم، سعی می کنند که تجمع کنندگان را پراکنده کنند.

به هر صورت حدود ساعت چهار و نیم، جمعیتی حدود صد نفر موفق شدند تا در بیرون محل نمایشگاه پرچم سرخ بزرگی را با مضمون "گرامی باد هشت مارس؛ روز جهانی زنان" باز کنند و قطعه نامه مشترک شهرهای مریوان، سنندج و کرمانشاه را بخوانند که با کف زدن و استقبال مردم حاضر در نمایشگاه، روبرو شد.

دو گزارش از کردستان

دو گزارش زیر خلاصه ای از گزارشات سایت پیام، از مراسم هشت مارس ۲۰۰۷ در کردستان است.

مراسم علنی ۸ مارس در شهر سقز

طی هفته های اخیر شهر سقز شاهد جنب و جوش فعالین جنبش زنان همراه با فعالین جنبش کارگری به منظور تدارک و برگزاری مراسم ۸ مارس بود.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه برابر با ۸ مارس، روز جهانی زن، جمعیتی بالغ بر صدها نفر در میدان "هه لو" شهر سقز، به منظور شرکت در مراسم گرامی داشت این روز در این محل حضور یافتند..

...سخنان کوتاهی در گرامی داشت روز جهانی زن و همچنین تبریک این روز خطاب به حاضرین ایراد شد و مراسم با پخش بسته های کوچک شیرینی که بر روی آنها نوشته شده بود "گرامی باد ۸ مارس" ادامه یافت. سپس شرکت کنندگان در دسته های چند نفره قصد راهپیمایی به طرف میدان آزادی شهر را داشتند، اما با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی مستقر در محل، روبرو شده و ناچار متفرق شدند.. در جریان این تجمع، ۲ نفر از شرکت کنندگان، توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند، که به دنبال فشار و نارضایتی زنان معترض، آنان را، آزاد کردند..

لازم به ذکر است که محل برگزاری مراسم و خیابانهای اطراف، با تدابیر شدید امنیتی، از جمله حضور وسیع نیروهای اطلاعات، انتظامی و لباس شخصی، تحت کنترل قرار گرفته بود.

دو تجمع به مناسبت ۸ مارس در شهر بانه

روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه، جمع کثیری از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب شهر بانه با برگزاری ۲ مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن را گرامی داشتند.

در جریان این دو تجمع که در کوههای "آرپا با" و "چنبه ره" برگزار شد، شرکت کنندگان ضمن بحث و گفتگو در خصوص مسئله زنان و همچنین خواندن مقاله هایی در همین زمینه، مبارزه برای رها بی از وضعیت موجود را، مورد بحث قرار داده و به تبادل نظر پرداختند.

شرکت کنندگان خواستار تداوم فعالیت در زمینه مبارزه برای رفع ستم و تبعیض علیه زنان شدند.

هشت مارس انقلابی در افغانستان

زنان افغانستان در شرایطی برای احقاق حقوق خود مبارزه می‌کنند، که کشورشان بیش از ۵ سال است که، در اشغال نیروهای امپریالیستیست و انواع و اقسام نیروهای واپس‌گرای مذهبی، چه در داخل دولت دست‌نشانده کرزای که برادران عقیدتی طالبانند و چه در خارج از دولت و در مخالفت با آن، بر سرنوشتشان حکم می‌رانند. مبارزه با اشغالگران از یک سو و با کهنه پرستان مذهبی از سوی دیگر، دو بخش لاینفک از مبارزات زنان افغانستان برای آزادی از قید ستم جنسیتی است، چرا که این دو همزاد یکدیگرند.

بدون مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و تلاش برای سرنگونی نظام کنونی جهان، نمی‌توان در جاده مبارزه برای رهایی زنان گام برداشت و از طرف دیگر، بدون مبارزه علیه نیروهای واپس‌گرای مذهبی، سنن و افکار عقب مانده و زن ستیز و مبارزه علیه قوانین و مناسبات ضد زن، رهایی از اشغال امپریالیستی و دستیابی به آزادی و برابری واقعی زنان، ممکن نیست.

آنچه در زیر می‌خوانید، خلاصه دو گزارش از برگزاری مراسم هشت مارس در افغانستان است، که در نشریه نبرد زن، به چاپ رسیده. متن کامل این نشریه در سایت هشت مارس قابل دسترسی است. - هشت مارس

گزارش شماره ۱

هشت مارس امسال، به ابتکار اعضا و هواداران "دسته هشت مارس زنان افغانستان" و اعضا و هواداران "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" در برگزار شد.

برگزار کنندگان با شور و شوق زاید الوصفی در این تجلیل شرکت جستند. آنها چندین روز برای تدارک محفل هشت مارس، به تبلیغ در میان زنان و دختران جوان مبادرت ورزیدند. محفل ساعت ۱ بعد از ظهر روز هشتم مارس آغاز شد و تا ساعت ۵ همان روز ادامه داشت. در این محفل بیشتر از صد نفر که نصف آنها را دختران مکاتب و زنان تشکل می‌دادند، شرکت کرده بودند.

مقالات و سخنرانی‌ها در سامعین، سخت تاثیر نموده و آنها را به عکس العمل واداشت. از میان حاضرین، دو زن و یک مرد به طور اعتراض آمیز جلسه را ترک گفتند. اما متباقی شرکت کنندگان با علاقمندی تمام تا ختم محفل نشستند و به مقالات و سخنرانی‌ها گوش دادند. در آخر محفل به سوالات سامعین جواب داده شد. محفل تجلیلیه، در بعضی‌ها تاثیر فوق‌العاده نمود، به طوریکه یکی از حاضرین در ختم مجلس چنین گفت: "ما فکر می‌کردم این محفل تجلیلیه هشت مارس هم مانند سایر محافل به تقلید از خارجی‌ها برای دریافت فند [بودجه] از موسسات خارجی ترتیب داده شده است، اما حالا دیگر فهمیدیم که چنین نیست. "تعدادی هم در اخیر، خواهان برقراری رابطه و همکاری، خصوصاً با "دسته هشت مارس زنان افغانستان" شدند.

بعضی‌ها انتقاد نمودند که چرا ما را زودتر از این، در جریان برگزاری محفل قرار

نداده‌اید، تا ما هم در برگزاری محفل سهم می‌گرفتیم.

استقبال حضار از محفل تجلیلیه هشت مارس، باعث تقویت روحیه مبارزاتی تمامی منسوبین "دسته هشت مارس زنان افغانستان" و "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" گردید و به اراده و عزم شان قاطعیت بیشتری بخشید. شعارهای محفل از این قرار بود.

ما زنان نظاره گر جهان نیستیم، جهان باید به دست ما بچرخد!

زنان نیمی از آسمان را به دوش می‌کشند و باید آن را فتح کنند!

آزادی زنان افغانستان را نباید در بدل فروش و قربانی کردن وطن، گدایی کرد!

"تاریخچه هشت مارس"، "اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان، به مناسبت هشت مارس" و "اعلامیه دسته هشت مارس زنان افغانستان، به مناسبت هشت مارس" در میان شرکت کنندگان محفل توزیع گردید.

گزارش شماره ۲

روز پنجشنبه، هشتم مارس ۲۰۰۷ (۱۷ حوت ۱۳۸۵) به گرامیداشت از روز جهانی زن محفلی در ... بر گزار گردید. محفل به اشتراک بیست تن از زنان و دختران، با خواندن این شعر توسط انانسر آغاز شد:

زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست
بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست

با حقارت گر بیبارد بر سرت باران در

آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست

زندگی آزادی انسان و استقلال اوست
بهر آزادی جدل کن بندگی در کار نیست

بعداً انانسر از اشتراک کنندگان محفل، تشکر و امتنان نموده و با شادی و سرور گفت: خوشوقتیم از اینکه امسال توانستیم حداقل در این منطقه هشتم مارس را تجلیل نموده و روز جهانی زن را گرامی بداریم. امیدوارم که در آینده بتوانیم از این روز تجلیل هر چه با شکوه تری به عمل بیاوریم.

محفل از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شد و تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. در این محفل زنان و دختران با شور زائد الوصفی، وعده سپردند که برای از بین بردن هرگونه ستم با جدیت مبارزه کنند. آنها این نکته را خاطر نشان ساختند که آزادی زنان تحفه‌ای نیست که از طرف امپریالیست‌های اشغالگر و دست‌نشانده‌شان برای زنان، هدیه داده شود، بلکه زنان می‌توانند - و باید - از طریق مبارزات پیگیر و جدی خودشان، آزادی‌شان را به دست بیاورند. یقیناً آنها در این مبارزه، پشتیبانی و حمایت مردان آزادیخواه را با خود خواهند داشت.

در شرایط فعلی اولین گام برای آزادی، منجمله آزادی زنان، بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست‌نشانده می‌باشد. اشتراک کنندگان محفل تعهد کردند که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی و انقلاب دموکراتیک نوین، با جدیت مبارزه نمایند و زنان مبارز و انقلابی را در این راه بسیج کنند.

”مقاومت کردن همیشه باید در زمان حال صرف شود“

زهره ستوده

”از یکسو دختران بیشتر تحت فشار خانواده و سنت های حاکم بودند و به این دلیل در عضوگیری دختران تردید و تامل زیاد به کار می رفتو از سوی دیگر ذهنیت مردسالارانه نیز وجود داشت.“

شاید امروز برای ما این امری ساده باشد، اما یادمان باشد که ”معما“ چو حل گشت، آسان شود.“

نسل من و نسل بعدی، ورود به سازمانها و تشکلات سیاسی آسانتر شده است. زیرا زنانی چون پوران ها در اقلیت مطلق، راه را برای ما و دختران ما باز کردند. پوران می گوید: ”مشارکت ما به عنوان دانشجو، در اعتصابات دانشگاه خود اقدامی جسورانه محسوب می شد و بی آن که خود بدانیم، نوعی ابراز شخصیت برابر با مردان بود.“

پوران حضور خود و زنانی چون خود را جمع بندی می کند و می گوید: ”ابتکارهایی که توسط زنان در استفاده از زبان رمز و جاسازی اسناد در این دوره بروز کرد، فراموش نشدنی است و نشان می دهد که اگر زنان زمینه مناسب برای انجام کار خویش بیابند و موانع فکری و عملی از پیش پای شان برداشته شود، به هیچ وجه از مردان کمتر نیستند.“

پوران از انگیزه زنان برای پیوستن به مبارزه انقلابی، انگیزه ای که هنوز محرک اکثریت زنان برای شرکت در تغییرات بنیادی جامعه است، می گفت:

”نکته مهم تر این بود، که زنان به دلیل ستم مضاعفی که بر آنان روا داشته می شد، به مبارزه سیاسی و تشکیلاتی علیه رژیم با شور و فداکاری زیادی می نگرستند و همه امکانات خود را در این راه می نهادند. پیوستن به یک سازمان مبارز به مثابه جبران تحقیری بود، که بر آنها به عنوان زن اعمال شده بود.“

او از زبان زنی مبارز می گفت:

”می خواهم در سازمان مبارزه کنم، اگر



زهره ستوده، از یاران پوران این متن را در مراسم یادبود پوران بازرگان که توسط پیکار و اندیشه در پاریس برگزار شده بود، ارائه کرد. - هشت مارس

پوران بازرگان شبانگاه ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ (۶ مارس ۲۰۰۷) در سن هفتاد سالگی، پس از یک سال نبرد جانکاه با بیماری اش، در تبعید درگذشت.

پوران از میان ما رفت. گرچه باور این واقعیت تلخ برای من بسی دردناک است، اما حضورش در تاریخ مبارزات مردم ما، ماندگار خواهد بود.

من می خواهم از کسی تجلیل کنم که سالهای بسیاری، یعنی بیست و اندی از سالهای تبعید را، در کنارش بودم. می خواهم از او با زبان خودش بگویم تا شاید گوشه ای از افق و آرزوهای بزرگش را بیان کرده باشم. از عشق او به انسانها و به آینده ای عاری از ستم و استثمار، از امید او به جهانی بهتر، از شجاعت و جسارتی که این امید و آرزو، به او بخشیده بود.

پوران بازرگان در خانواده ای سنتی و مذهبی تربیت شد، در فضایی که رفتن دختران به مدرسه یک پیکار علیه سنت و فرهنگ مردسالارانه بود. او به مدرسه رفت تا آغازی برای شکستن این سد باشد تا موانع حضورش در مشارکت سیاسی- اجتماعی را، یکی پس از دیگری پس زند، و اینگونه بود که پوران از معدود زنانی شد که در آن دوره، جسورانه خود را به جنبش انقلابی تحمیل کرد. خود او در این مورد می گوید: ”در حالی که همه درهای تنفس در حیات اجتماعی بسته بود، برای زنان مبارز ما، پیوستن به یک سازمان مبارز و مخفی شدن، نهایت آرزو بود.“

پوران در مورد فشارهایی که بر زنان برای حضور در تشکلات انقلابی بود می گوید:

به یاد پوران بازرگان

خبر دردناک است. پوران بازرگان، از زنان انقلابی و چپ و از پیشکسوتان جنبش انقلابی و کمونیستی ایران، شب گذشته در پی یک بیماری درگذشت. مرگ او مانند کوهی بر قلب ما، نسلی از زنان که مبارزات او به ما جسارت و الهام بخشید، سنگینی می کند.

اگرچه امروز در آستانه روز جهانی زن، او در میان ما نیست تا با خبر مبارزات ما لبخندی از رضایت و غرور بر لبش نشیند، اما بدون شک نام او در تاریخ مبارزات انقلابی مردم ایران علیه رژیم شاه و جمهوری اسلامی ماندگار است. نسل های پس از او، به ویژه زنان رادیکال و انقلابی، یاد او را چون مرواریدی کمیاب در اقیانوس مبارزات انقلابی برای ساختن جهانی عاری از هرگونه ستم و استثمار پاس خواهند داشت.

هرزه گویی های جمهوری اسلامی حتی در این روزها علیه او، بار دیگر تاکیدی است که او نگین درخشان نسلی است که رژیم سلطنتی را سرنگون کرد و تجارب مبارزاتی اش ستون فقرات مبارزات امروز ما علیه مرتجعین جمهوری اسلامی است.

یادش گرامی باد
نامش زنده
راهش پر رهرو

کارزار علیه کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان

۷ مارس ۲۰۰۷

بود. او نه فقط در کنار مبارزات عمومی مردم علیه بی عدالتی حضور داشت، بلکه در کنار مبارزات فردی انسانها علیه بی عدالتی نیز قرار می گرفت و از هر گونه عاقبت جویی و مصلحت طلبی در زندگی فردی و اجتماعی به دور بود.

وقتی با پوران از خودش و مبارزاتش سخن گفته می شد، او فروتنانه به مبارزات زنانی اشاره می کرد که به لحاظ فکری با آنها تفاوت داشت. او ضمن ستایش و احترام به مبارزات زنانی چون فاطمه امینی، زری میهن دوست، سیمین تاج جریری، منیژه اشرف زاده کرمانی و، از زنانی که در صفوف سازمان های مبارز دیگر، فعالیت می کردند، چون مرضیه احمدی اسکویی، فاطمه ابراهیمی و بسیاری دیگری از همه گروههای مبارز، چه شناخته شده ها و چه به خصوص گمنامان، نیز تجلیل به عمل می آورد. پوران مبارزه را امری در جهت اهداف انسان می دید و به انحصار طلبی تنگ سازمانی، اعتنایی نداشت. جهانی که پوران نویدش را می داد، خود در زندگی روزمره بکار می برد. او برای دست یافتن به جهانی انسانی و عادلانه، روش و منشی انسانی داشت. او راز جدال ذهن و عین را دریافته بود و خط سرخ زندگی اش جلوه ای از آمیزش هر چه بیشتر حرف و عمل بود.

پوران، امروز دیگر در میان ما نیست. اما نگاه پوران به جهان و آینده، دریچه ای بسوی آزادی و رهایی انسانها از قید هرگونه ستم و استثمار است. زندگی پوران نشان داد، که حرف "لوسی اوپراک" از زنان عضو جنبش مقاومت فرانسه درست بود، وقتی که گفت: "بدون زنان، مقاومت هیچ کاری نمی توانست انجام بدهد". هم او که گفت: "عبارت مقاومت کردن، همیشه باید در زمان حال صرف شود." "لوسی اوپراک" نیز در سن ۹۴ سالگی، چند روز پس از پوران در فرانسه درگذشت. او نیز مانند پوران تا آخرین دقایق زندگی اش، دست از مبارزه علیه هر نوع بی عدالتی برنداشت. مبارزه او برای حق رای زنان، و شرکت او در تظاهرات خارجیان بدون کارت اقامت، در تاریخ مبارزات فرانسوی ها ماندگار است. پوران ها و لوسی ها در سراسر دنیا، الگوی مبارزه علیه فاشیسم و دیکتاتوری و ستم بر زنان هستند.

۱۷ مارس ۲۰۰۷

پاریس - فرانسه

* کلیه نقل قولهای این متن از مقالات مختلف پوران بازرگان است که جهت دسترسی به آنها می توان به سایت اندیشه و پیکار مراجعه کرد.

<http://www.peykarandees.org>

جهانی بودن امر رهایی ستمدیدگان، اعتقاد عمیق داشت. پوران زمانی که از مبارزه مردم جهان صحبت می کرد و در مبارزات آنان شرکت می کرد، نشان داد که یک کمونیست نه فقط باید انترناسیونالیستی فکر کند، بلکه انترناسیونالیستی هم باید عمل کند.

من نمی خواهم به این موضوع بپردازم که پوران چگونه قلبش برای مبارزات رهاییبخش مردم فلسطین می تپید و یا اینکه در عمل نیز در صفوف جنبش رهاییبخش مردم فلسطین و ظفار پیکار کرد. او به مبارزات زنان نیز به عنوان مبارزه ای جهانی می اندیشید و بی جهت نبود که ستم بر زنان افغانستان و عراق و فلسطین او را خشمگین می کرد، به همان اندازه ای که ستم بر زنان ایران را بر نمی تافت.

پوران در بزرگداشت مراسم روز جهانی زن در مارس ۲۰۰۴ که خود از برگزارکنندگان این مراسم نیز بود، طی سخنرانی که به زنان عراق تقدیم کرد، تحلیل بسیار مفصلی از موقعیت زنان عراق و مبارزات آنان از سالهای ۱۹۴۳ به بعد ارائه داد. او در این سخنرانی که پس از حمله آمریکا و دولتهای متحد غربی به عراق و اشغال آن بود، گفت:

"اشغالگران که بنام استقرار "دمکراسی" در عراق، دست به این جنایت بزرگ قرن زدند، جنایتکاری را که در مقایسه با خودشان کوچک بود، از میان برداشتند و خود - بدتر - جایگزین آن شدند....."

گزارش هایی که از اوضاع آشفته کشور اشغال شده عراق، در اینجا و آنجا منتشر می شود، غیر از خشونت بی حدی که سربازان اشغالگر بر مردم اعمال می کنند و در این کار تجربه سرکوب های وحشتناک ویتنام و فلسطین را تکرار می کنند و زنان و کودکان را به وحشت دائم و محرومیت از حداقل زندگی مبتلا کرده اند. و نامنی را چنان گسترش داده اند که زنان را غالباً خانه نشین کرده و به درون چادر و حجاب رانده اند. ستم جنسی در چنین اوضاع بحرانی کاراتر و براتر از همیشه و همراه با توجیهات مذهبی و سنتی، زنان عراق را زیر ضربات خرد کننده خود قرار داده است."

به من اجازه دهید، به خصوصیت دیگری از پوران اشاره کنم. خصوصیتی که بدون آن صحبت از کمونیست بودن و تلاش جهت خلق جهانی عاری از ستم و استثمار بیهوده است. پوران به مردم عشق می ورزید، از همان روزهایی که گام در مسیر مبارزه انقلابی گذاشت. او معلم شد تا از نزدیک با جوانان که منادیان تغییر جهانند، آشنا شود، همراه آنان بخواند و بداند و به باوری مشترک برسد. عشق و علاقه پوران به انسانها، برجسته

کشته شوم، عیبی ندارد. حداقل شوهرم که مرا این قدر تحقیر می کرد، خواهد فهمید که من شایسته آن برخوردها نبودم."

پوران نه فقط انگیزه زنان در مبارزه انقلابی را تحلیل کرد، بلکه توقع و انتظار آنان از مبارزه را نیز به روشنی پاسخ داد: "اما آنچه جوهر مسئله است، این بود که زنان حق خود می دانستند که در مبارزه سرنوشت سازی که به امید نیل به آزادی و عدالت اجتماعی جریان داشت، مشارکت فعال و برابر داشته باشند...."

ما همگی در وضعی قرار داشتیم که واژگونی رژیم سیاسی برایمان کلید هر تحولی تلقی می شد و طبعاً گمان می بردیم که مسائلی از قبیل مردسالاری و تبعیض های رایج سنتی به دنبال پیروزی انقلاب حل شدنی است. بد نیست یادآوری کنم که این روزها برخی، زنان را سرزنش می کنند که چرا وقتی در کنار مردان در سازمانها و احزاب مبارزه می کنند، تن به مردسالاری می دهند. در حالی که جوهر مسئله، همانگونه است که پوران از قول خواهرش حوری می گوید: "اگر همه دشواری های کنونی مبارزه، حداقل به کم شدن بار ستمی که بر زنان می رود، بیانجامد، باز هم خوب است و به زحماتش می ارزد."

اما پوران هیچ توهمی نداشت. زنی انقلابی و هشیار بود و سالها تجربه در صفوف مبارزه انقلابی، به او آموخته بود که رهایی و آزادی زنان به این سادگی ها نیست و در نوشته خود گفت: "عجیب نیست. وقتی می بینیم که پس از سالها و از سر گذراندن تحولات بسیار، هنوز هم این ذهنیت در جامعه روشنفکری و سیاسی و مبارز ما کمتر تکان خورده، می توانیم وضع آن زمان را بهتر مجسم کنیم. به هر حال نگرشی که در مورد مشارکت زنان در امور تشکیلاتی و سیاسی وجود داشت، در عمل و در واقع امر، مشارکت ثانوی و پشت جبهه ای بود."

و بالاخره گفت: "باری تا قبل از سال ۵۰، فعالیت ما زنان در سازمان، در صف اول نیست. جانبی است، تبعی است و عاطفی". البته پوران برای اینکه جای خوش خیالی، باقی نگذارد و کسی فکر نکند گویا پس از دهه ۵۰ ناگهان جنبش انقلابی ما دگرگون شده است، گفت: "فراوانند کسانی که درباره حقوق زنان تئوری می بافند و قلم فرسائی می کنند، اما در عمل همان برخورد کهنه و عقب مانده را دارند."

اگر اجازه دهید مایلیم به یکی از مهمترین ویژگی های او اشاره کنم. پوران یک انترناسیونالیست بود و نه در حرف چون موعظه ای اخلاقی، بلکه در عمل. او به

حمایت کنندگان از راهپیمائی کارزار...

در صورتیکه نام شما و یا سازمان شما در این لیست ها جا افتاده از قبل پوزش می طلبیم و خواهشمندیم مراتب را برای اصلاح به آدرس نشریه اطلاع دهید. zanane8mars@yahoo.com

سازمان ها و تشکلات زنان

- انجمن حق زنان
- انجمن زنان افغانستان بی بی مارو-هلند
- نهاد انترناسیونالیستی زنان آزاد-هلند
- تشکل نه تن فروش نه برده- سوئد
- جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران-سوئد
- جنبش دمکراتیک اروپائی زنان-هلند
- جنبش های بنیادین- هلند
- رادبو صدای زنان به زبان کردی- سوئد
- زنان انقلابی نیپال
- زنان برای حق سقط جنین-هلند
- زنان پناهنده از شهر وان- ترکیه
- سازمان سراسری زنان برعلیه اخراج پناهجویان
- فدراسیون بین المللی زنان آزاد-هلند
- فعال جنبش زنان در ایتالیا
- کمیته حمایت از زنان کرد- سوئد
- کمیته زنان اتحاد چپ کارگری
- گروه زنان دموز- دانمارک
- ماماکش - هلند
- نهاد انترناسیونالیستی زنان آزاد

احزاب و سازمان های سیاسی دیگر

- اتحادیه ایرانیان
- سوسیالیست - آمریکای شمالی
- اتحاد چپ ایرانیان- واشنگتن
- حزب رنجبران ایران
- حزب کمونیست ایران (م- ل- م)
- حزب کمونیست بریتانیا
- شورای هماهنگی «جنبش جمهوری خواهان
- دموکرات و لائیک در ایران»
- فعالین سازمان اتحاد فدائیان کمونیست- هلند
- کمیته تشکیلات سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر)
- هواداران حزب کار ایران (توفان)- هلند
- هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان- اروپا

سازمان ها و تشکلات دمکراتیک

- اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
- افسانه غیر قانونی ها
- انجمن استوپ جنگ- هلند
- اینترناسیونال فورم- دانمارک
- جنبش مقاومت خلقهای جهان- آلمان (فرانکفورت)
- خانه هنر- هلند
- دانشجویان برای عفو بین المللی- هلند
- دفتر مرکزی حزب سوسیالیست ایران
- سازمان سراسری غیر قانونی ها و بی مدرک ها
- سازمان پناهندگی- پرایم
- سرویس خبری جهانی برای فتح
- شورای شهر دنهاخ- هلند
- فدراسیون کارگران ترکیه
- فرهنگسرای اندیشه گوتنبرگ(سوئد)
- کانون آرش(سازمان پناهندگی)
- کانون دانشجویان ایرانی- هلند
- کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید- هلند
- کانون همبستگی با جنبش کارگران ایران- هانور
- کانون همبستگی با کارگران- کلن
- کلینسا و صلح
- کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران
- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایرانی- دانمارک
- کمیته فلسطین- هلند
- کمیته همبستگی با کارگران ایران- هامبورگ
- گروه همبستگی با جنبش کارگری- برلن
- موسسه X-Y سازمان چپ و رادیکال هلندی
- نشریه دانشجویی بذر
- هیئت اجرایی سازمان ملی- دمکراتیک آوارگان افغانی

اسامی افراد حمایت کننده

- شهرزاد ارشدی
- برهان اعظمی
- نازنین افشین
- شکیب ام ال
- پویان انصاری
- ان لناز دز مسئول بخش زنان
- حزب کمونیست بلژیک
- وجیهه بارکرزی از افغانستان(آلمان)
- احمد پوری
- علی پیچگاه
- معصومه تنابی
- نادر جنوب
- کلاری دلپو
- ماریا رشیدی
- مسعود رؤف
- مسعود زونوزی
- سیامک ستوده
- میتراسرو
- عباس سماکار
- بهرروز سورن
- زهره شجاعی
- شوکت شماس بلو
- م - صبوری
- مصطفی صفری
- الهه فراهانی
- اینکه فان د فلد از فعالین
- جنبش فمینیستی هلند
- پروفیسور برجیت فول
- شهمیرا قرانی
- احمد عزیز پور
- حجت کسرائیان
- مونیکا گاردنر انگلاز از رهبران ام- ال پی- دی و از رهبران جنبش زنان در آلمان
- مری لو گرین برگ از حزب کمونیست انقلابی آمریکا
- کیت لارسن هوگس
- مارگاریت
- شهرزاد مجاب
- فریبا مرزبان
- مهرنوش معظمی
- رامین مولائی
- شبیو نادری
- ناصر نجفی
- بصیر نصیبی
- آنی مولن بلت نماینده مجلس سنا از حزب سوسیالیست هلند
- فردی وینترز
- ماریا هاگبرگ

hashte mars

June 2007 No. 17

Special issue reporting the advances of the revolutionary women's movement of Iran.

Address: Postfach 11 06 28,
28086 Bremen, Germany

e-mail: zan_dem_iran@hotmail.com
zanane8mars@yahoo.com

website: www.8mars.com

Price: €3.00

